

بسم الله الرحمن الرحیم

# کلبه عشق ( آنچه یک عروس و داماد باید بدانند )


نویسنده:

مهدی دانشمند



ناشر چاپی:

خادم الرضا ( علیه السلام )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# کلبه عشق (آنچه یک عروس و داماد باید بدانند)

## مشخصات کتاب

تألیف: مهدی دانشمند

ویراستار: محمد حسن استادی مقدم

ناشر: انتشارات خادم الرضاعلیه السلام

مدیریت هنری: خانه چاپ و گرافیک سحر

نوبت چاپ: چهارم - زمستان ۸۳

تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه / قطع: رقعی / تعداد صفحه: ۱۸۴ صفحه

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

شابک: ۵ - ۶۹ - ۵۹۱۲ - ۹۶۴



مرکز پخش:

ستاد اجرایی طرح توسکا(مجری توزیع سراسری کتاب ایران)

تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱

این کتاب همراه با گرم‌ترین شادباش‌ها

تقدیم به عزیزانی که به چگونه زیستن خود در کلبه عشق اهمیّت می‌دهند.

قم / خیابان صفائیه (شهدا) /

انتهای کوی بیگدلی /

نبش کوی شهید گلدوست / پلاک ۲۸۴

صندوق پستی ۳۷۱۵۵/۶۱۱۳

تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱

## تقدیم به

ثواب این کتاب را به استاد بسیار عزیز و بزرگوارم

«مرحوم حضرت آیت اللَّه حاج سید احمد امامی‌قدس سره»

و پدر گرانقدرم،

«مرحوم حاج اسماعیل دانشمندقدس سره»

تقدیم می‌نمایم.

## مقدمه

«اُدْعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهِمْ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنْ»(۱)

همگان را به وسیله حکمت و موعظه به سوی خدایت دعوت کن، و با آنان به شیوه‌ای نیکو مجادله نما.

همه انسان‌ها در یک مرتبه از استعداد فکری نیستند. پیشوایان معصوم‌علیهم السلام موظف بودند تا بر مبنای «کَلِّم النَّاسَ عَلی قَدرِ عُقُولِهِمْ»، برابر با وسعت فکری مردم سخن بگویند.

مبلغان علوم دینی که داعیه پیروی از بزرگان دین را دارند، باید به این نکته مهم توجه نمایند و با هنر استعداد شناسی درست از افراد، به موعظه و اندرزگویی بپردازند. این مهم، تکلیفی است که اگر بدان اهتمام نشود، بی‌تردید آفت آن دامنگیر مخاطبان خواهد شد؛ البته باید از همه کسانی که برای احیای معارف الهی و ارتقای سطح فرهنگ اسلامی جامعه تلاش می‌نمایند، می‌گویند، می‌نویسند و به هر گونه خدمت می‌کنند، قدردانی شود. «لایُکَلِّفُ اللَّه نَفْسا اِلاّ وُسْعَها»(۲)

مخاطبان این کتاب، زنان و مردان بزرگوار جامعه اسلامی، به ویژه «عروس خانم‌ها» و «آقا دامادها» هستند. هدف این مجموعه، ایجاد زمینه‌ای برای بهتر زیستن، انسانی زندگی کردن و خدایی بودن است.

شایان ذکر است که این کتاب، چکیده‌ای از سخنرانی‌های این حقیر است، که در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۷ ه.ش. در شهر شهید پرور اصفهان (مسجد ام البنین‌علیها السلام) ایراد شده است؛ بنابر این از برادران عزیزم در «هیأت پیروان حضرت مهدی‌علیه السلام» و «هیأت دانشجویی، دانش آموزی ائمه بقیع‌علیهم السلام» که در برگزاری این محفل نورانی تلاش کردند و نیز از «مرکز نشر مؤسسه فرهنگی - هنری خادم الرّضاعلیه السلام» که زحمات زیادی در راه نشر این اثر متحمل شدند، صمیمانه سپاسگزارم.

امید است جوانان بزرگوار جامعه اسلامی ما، با مطالعه این اثر، بتوانند بر سبزی و صفا و صمیمیت زندگی خویش بیفزایند. حقیر، همواره برای تندرستی و عاقبت به خیری جوانان دعا می‌کنم و از دوستان عزیز نیز می‌خواهم که بنده را از دعاهای خالصانه خویش محروم نفرمایند.

منتظر پیشنهادهای سازنده همه خوانندگان محترم هستم.

«مهدی دانشمند اصفهانی»

ویرایش جدید

زمستان ۱۳۸۳

## فصل اوّل فلسفه و هدف ازدواج

### فلسفه ازدواج

یکی از اسرار موفق بودن در زندگی، فهم صحیح از فلسفه تشکیل زندگی و ازدواج است و نیکوست که جوانان عزیز، پیش از تشکیل خانواده، به فلسفه آن بیندیشند و با بصیرت و بینشی عمیق، از زندگی مشترک استقبال کنند. در این جا به برخی از مسایل که می‌تواند موضوع تفکر و اندیشه بر محور ازدواج باشد، اشاره می‌کنیم:

۱. اعلان آمادگی برای پذیرش مسؤولیت‌ها؛

۲. اعلان آمادگی برای اداره زندگی؛

۳. ایجاد زمینه‌های کرامت و عزّت نفس؛

۴. جدا شدن از افکار خام نوجوانی و جوانی؛
۵. تمرکز اندیشه برای حل مشکلات زندگی؛
۶. تأمل در گزینش‌ها و انتخاب‌های زندگی؛
۷. برنامه‌ریزی برای آینده براساس واقعیت‌ها؛
۸. مبارزه با نگرانی‌ها و تردیدها؛
۹. سازندگی بر اساس تجارب گذشته؛
۱۰. حساب رسی جدی نسبت به کارهای روزانه؛
۱۱. کلاس برای ایجاد بهترین زندگی؛
۱۲. استقلال در تصمیم‌گیری؛
۱۳. اهمیت دادن به کوچک‌ترین رخدادهای زندگی؛
۱۴. گسستگی روحی و فکری از اطرافیان؛
۱۵. شروع اندیشه‌ای جدید و حرکت در مسیر نو با امکانات تازه؛
۱۶. تلاش برای اختیار عقلانی در برابر اندیشه‌ها و امور غیرطبیعی؛
۱۷. از بین بردن خیالات بی‌جا و آرزوهای واهی؛
۱۸. آشنایی و لمس کردن حقیقت‌ها و واقعیت‌های زندگی؛
۱۹. آشنایی با برخی از مجهولات دوران نوجوانی؛
۲۰. تکثیر نسل و رسیدن به مقام والای پدری و مادری؛
۲۱. مهار کردن غرایز جنسی؛
۲۲. هزینه کردن درست و جهت دادن به درآمدهای مالی؛
۲۳. واقع بینی و پرهیز از سطحی نگری در پیشامدها و حوادث زندگی.

## هدف ازدواج

مهندسان، برای ساختن بنایی عظیم، در آغاز نقشه‌ای ترسیم می‌نمایند و برای مجسم کردن آن، ماکتی تهیه می‌کنند تا بینندگان با مشاهده آن، با شکل کلّی ساختمان آشنا شوند.
پروردگار عالم نیز نقشه زندگی را در قرآن کریم ترسیم فرموده است، تا مردم بتوانند بنایی را در نقشه ساختمان زندگی خود پی‌ریزی نمایند.
قرآن کریم می‌فرماید:
«وَ مِنْ اياتِه اَنْ خَلَقَ مِنْ اَنْفُسِکُم اَزْواجاً لِتَسْکُنُوا اِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رحْمَةً اِنَّ فی ذلِکَ لآیاتٍ لِقَومٍ یَتَفَکَّرونَ»(۳)
از نشانه‌های خدا این است که زنان را برای شما از جنس خود شما آفرید؛ برای این که به آرامش برسید و بین شما مودّت و رحمت قرار داد؛ به درستی که در این مطلب، نشانه‌هایی برای کسانی که اهل تفکّرند، وجود دارد.

## فرهنگ زندگی در ده روایت

فراز و نشیب

۱. امام علی‌علیه السلام: «الْعَیْشُ یَحْلُو وَ یَمُرُّ»(۴)

زندگی تلخ و شیرین می‌شود.

در نظر داشتن دنیا و آخرت

۲. امام کاظم‌علیه السلام: «اِعْمل لِدُنیاکَ کانَّکَ تَعیشُ اَبداً وَ اعمَل لآخِرَتِکَ کاَنَّکَ تَموُتُ غداً»(۵)

برای دنیـای خود بکوش، تا آن جا که گویی همیشه زنـده هستی و برای آخرت خویش تلاش کن، آن گونه که گویی فردا از دنیا می‌روی.

در پی روزی بودن

۳. «وَ جَعَلْنا النّهارَ مَعاشاً»(۶)

و روز را برای طلب معیشت و زندگی قرار دادیم.

تدبیر و تقدیر

۴. امام علی‌علیه السلام: «قِوامُ العَیشِ حَسنُ التَّقدیر وَ مِلاکُهُ حُسْنُ التَّدبیر»

پایه و مایه زندگی، اندازه نگه داشتن؛ و بنیاد آن، تدبیر و اندیشه نیکو و درست است.

زیرکی و تغافل

۵. امام صادق‌علیه السلام: «صلاحُ حالِ التّعایش وَ التعاشُر مِلُّ مِکیالٍ ثُلثاهُ فِطْنَةٌ وَ ثُلُثهُ تَغافلٌ»

صلاح حال زندگی و معاشرت با یکدیگر، پیمانه پُری است که ۲۳ آن هوشیاری و ۱۳ آن نادیده گرفتن موارد جزئی است.

دوری از تکلّف

۶. امام علی‌علیه السلام: «اَهْنَأُ العَیْشِ اِطِّراحُ الکُلَفِ»

گواراترین زندگی، دور افکندن تکلّف‌ها (مخارج اضافی که موجب سختی و مشقّت می‌شود) است.

آینده‌نگری

۷. رسول خداصلی الله علیه وآله: «عِشْ ما شِئت فَاِنَّکَ مَیّتٌ وَ احْبِبْ مَنْ شِئتَ فَاِنَّکَ مُفارِقُهُ وَ اعْمَلْ ما شِئتَ فَاِنَّکَ مُلاقیهِ»

هر گونه خواهی زنـدگی کن که تو خواهی مرد، و هر که را خواهی دوست بـدار که از آن جـدا می‌شوی، و هر گونه خواهی عمل کن که نتیجه آن را خواهی دید.

تعلیم و تعلم

۸. رسول خداصلی الله علیه وآله: «لا عَیْشَ اِلاّ لِرَجُلَیْنِ عالمٍ ناطَقٍ و مُتَعَّلِم واعٍ»

زندگی مفهومی ندارد، مگر برای دو کس: دانشمندِ گوینده و دانشجویِ به گوش گیرنده.

خوشخویی

۹. امام صادق‌علیه السلام: «لا عَیشَ اَهْنَأُ مِنْ حُسنِ الخُلقِ»

هیچ زندگی‌ای گواراتر از خوشخویی نیست.

زندگی به اندازه کفاف

۱۰ رسول خداصلی الله علیه وآله: «طوبی لِمَن هُدِیَ إلی الإسلامِ وَ کانَ عَیْشُهُ کَفافاً»

خوشا به حال کسی که به اسلام هدایت شده و زندگیِ به اندازه کفاف و نیاز داشته باشد.

## درس‌هایی از سفره عقد

معمولاً چند چیز در سفره عقد نهاده می‌شود:

۱. قرآن (سوره نور) ۵. تاج گُل و شاخه‌های گُل

۲. آینه بخت ۶. عسل

۳. سجاده نماز ۷. سکّه

۴. شمع‌های روشن ۸. شیرینی

## دو درس از آینه بخت

آنگاه که عروس و داماد به آینه بخت نگاه می‌کنند، باید دو درس از آن بگیرند. (گر چه خود آینه به تنهایی سی ویژگی دارد).

درس اول: عروس و داماد وقتی همدیگر را می‌بینند، دو نفر بیش‌تر نیستند (نه پسری و نه دختری)؛ باید بدانند در پایان زندگی نیز به همین جا ختم می‌شود، پس باید قدر یکدیگر بدانند.

درس دوم: عروس وقتی به آینه بخت نگاه می‌کند، شوهری را در کنار خود می‌بیند؛ بنابر این از آن پس باید در کنار او و هماهنگ با او باشد. همچنین داماد باید بداند که از این پس باید برای خوشبختی همسرش تلاش نماید و در تمام شؤون زندگی با او همراه بوده و سپری محکم برای او باشد.

## دو درس از شمع

پیری روشن ضمیر گفت:

شمع به دو زوج جوان درسی بسیار مهم می‌دهد که:

عروس خانم! زندگی، سوختن و ساختن است.

آقا داماد! زندگی، استقامت، استواری، سوختن و ساختن و نور افشانی است.

## درسی از عسل

عسل، نماد شیرینی‌هاست؛ چرا که دهان را شیرین و خوشبو می‌کند، تقویت کننده بدن است، از بین برنده امراض عفونی و درونی است و...

اخلاق حسنه، عسل زندگی است و صداقت و راستی، حیا و پاکدامنی، تواضع، محبت و... همه بیماری‌ها را از پیکره زندگی، می‌زداید.

## از بلوغ تا ازدواج

اکثر فقها، هنگام بلوغ شرعیِ دختران را تمام شدن ۹ سال و بلوغ شرعی پسران را پایان یافتن ۱۵ سالگی می‌دانند. بدین ترتیب، دختر وقتی از مرز ۹ سالگی و پسر وقتی از مرز ۱۵ سالگی گذشت، پروردگار هستی از او انتظار دارد که به واجبات عمل

نماید و از محرمات دوری کند. پسر و دختر از سن بلوغ می‌توانند ازدواج کنند و عقدی که برای آن‌ها خوانده می‌شود، صحیح است؛ ولی از نظر قانونی، داماد باید حداقل ۱۸ سال و عروس باید حداقل ۱۵ سال تمام داشته باشند، زیرا دختر و پسر باید قبل از ازدواج، به بلوغ عقلی و اجتماعی نیز رسیده باشند.

البته پس از این سن، نباید سال‌های زیادی فاصله بیفتد. متأسفانه گاهی عروس خانم می‌خواهد به دانشگاه برود و با مدرک بالا-یی ازدواج کند و تا به آن مدرک دلخواه برسد، سن او از ۲۵ سال گذشته است! داماد نیز نمی‌خواهد کم‌تر از عروس باشد؛ بنابر این سن او نیز برای رسیدن به مدرک بالا و به دست آوردن شغل مناسب، از مرز ۳۰ سال می گذرد!

هشدار!

به راستی عروس خانم یا به عبارتی دختر خانم، از ۹ تا ۲۵ سالگی، چگونه غرایز خود را مهار می کند؟

و نیز داماد جوان یا آقا پسر، از ۱۵ تا ۳۰ سالگی، چگونه شهوات و غرایز سرکش خود را کنترل می‌نماید؟

## انتظار مردم از خواستگار

انتظار مردم از جوان خواستگار در جامعه ما چیست؟

۱. خانه داشته باشد؛ ۲. ماشین داشته باشد؛ ۳. شغل مناسب با حقوق بالا داشته باشد؛ ۴. پس انداز کافی داشته باشد.

باید اعتراف کنیم که جوانی با ویژگی‌های یاد شده، یا باید پدر مُرده باشد تا ارثی کلان به او رسیده باشد، یا... .

به هر حال، باید به جوان کمک فراوانی شده باشد تا پاسخگوی انتظارات خانواده عروس باشد و این در وسع اکثر جوانان عزیز جامعه اسلامی ما نیست.

## علل به فساد کشیده شدن برخی از جوانان

۱.نبودن کار و شغل کافی: متأسفانه ادارات، کارخانه‌ها، مراکز تولیدی و... نمی‌توانند همه جوانان را جذب کار نمایند. طبیعی است که ممکن است جوان به دلیل نبودن کار مناسب، به سوی کارهای غیرقانونی، قاچاق، اعتیاد، ولگردی و مزاحمت برای مردم سوق داده شده و در نتیجه به فساد و فحشا کشیده شود.

۲.فقر فرهنگی: با تأسف باید بگوییم که برخی از جوانان، نه تحصیل قابل قبولی دارند تا از تخصصشان استفاده کنند و گرفتار نکبت‌های اجتماعی نشوند، و نه حرفه و هنر مناسبی فرا گرفته‌اند تا در بزرگسالی بتوانند با بهره‌گیری از آن، کسب درآمد نمایند؛ خلاصه بی‌علم و هنر هستند.

۳. فقر اقتصادی: متأسفانه برخی از جوانان به علت نبودن امکانات و سرمایه کافی، دچار مشکلات فراوانی می‌شوند. قطعاً نمی‌توان از راه حلال، راه ۵۰ ساله را یک ساله طی کرد. چنین جوانی مجبور است که زمان ازدواجش را به تأخیر بیندازد تا بتواند مقدمات آن را فراهم نماید. البته خساراتی که در این میان به جوان وارد می‌شود، شاید جبران‌ناپذیر باشد.

۴. توقعات جانکاه: والدین داماد انتظار دارند که عروسشان از طبقه مرفه جامعه باشد و دوست دارند به اصطلاح امروزی‌ها، با «از ما بهتران» وصلت نمایند. خانواده عروس هم به داماد کم بضاعت دختر نمی‌دهند؛ آنان نیز توقع دارند که دامادشان پولدار باشد و چند هزار سکه بهار آزادی مهریه دخترشان کند و منزل مسکونی در بهترین منطقه شهر داشته باشد و لباس‌های رنگارنگ و ده‌ها توقع بی‌جای دیگر را بر آورده کند! انصاف دهیم که ممکن است خودمان باعث فلاکت و بدبختی

فرزندانمان شویم.

۵. کم تجربه بودن جوان: جوان چه بسا بخواهد خود، بعضی از مسایل را تجربه کند، که در این امر خطیر، ممکن است به برخی از کارهای خلاف نیز کشیده شود و به تدریج خوی لاابالی‌گری در او به وجود آید و شجاعت و زرنگی‌اش را در وادی گناه و قانون شکنی و برنامه‌های شیطانی قرار دهد. آنگاه اگر از این مهلکه‌ها جان سالم به در ببرد، با تشکیل پرونده‌ای سیاه در ذهن مردم، آینده خویش را به تباهی می‌کشاند.

۶. فشار غریزه جنسی: غریزه شهوت جنسی، موضوعی کاملاً جدّی و خطرناک است. فقط در یک جمله، خطر این پدیده را به جوانان عزیز هشدار می‌دهم:

«سدّ شهوت، خاکی است؛ مواظب طغیان باشید!»

۷. عوامل تحریک کننده شهوت جنسی: هنگام گذر از خیابان‌ها، و زمان تعطیل شدن دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها، اگر با قدری دقت نگاه کنیم، قطعاً دلمان به حال دختران و پسران جوان جامعه متأثر خواهد شد و نیز اگر به دادگاه‌ها، مراکز مبارزه با مفاسد اجتماعی، مراکز امر به معروف و نهی از منکر سری بزنیم، خواهیم دید که نوجوانانی با سن کم، بسیاری از مفاسد را مرتکب شده‌اند که جای بسی تأمل و عبرت‌گیری دارد.

اگر گذری به پارک‌ها، سینماها، ورزشگاه‌ها، شهر بازی‌ها، بازارها، پاساژها و مراکز تجاری لوکس داشته باشیم، خواهیم فهمید در درون و دل جامعه، چه می‌گذرد! نکند خدای ناکرده، آتش زیر خاکستر وجود داشته باشد و خود ندانیم!

۸. تهاجم فرهنگی علیه نسل جوان:

۱. برنامه‌های ماهواره‌ای؛

۲. فیلم‌های زشت و زننده ویدئویی؛

۳. ترانه‌های مبتذل خارجی و ایرانی؛

۴. عکس‌های محرک شهوت؛

۵. برگزاری مهمانی‌ها و محفل‌های مختلط؛

۶. شراب خواری‌های پنهان؛

۷. اعتیاد به سیگار و مواد مخدّر؛

۸. زنان و دختران بدکاره و ولگرد؛

۹. جوانان لاابالی و آماده برای هر نوع گناهی؛

۱۰. ولگردانِ مجلس گردان، در جمع جوانان بیکاره؛

۱۱. نرم افزارهای سکس رایانه‌ای با بدترین و وحشتناک‌ترین برنامه‌های مدون شده؛

۱۲. تلاش برای ایجاد فاصله بین نسل جوان با مسجد؛

۱۳. برگزاری مجالس ضد فرهنگی و مذهبی برای بدبین کردن نسل جوان نسبت به الگوهای دینی؛

۱۴. تلاش برای ایجاد تعصب بی منطق نسبت به مذاهب، گروه‌ها، حزب‌ها و تیم‌های ورزشی، که منجر به دعوا، کشمکش و کینه می‌گردد؛

۱۵. پدید آمدن عشق‌های جنون‌آمیز، که گاهی به خودکشی، خودسوزی، قتل و یا فرار منتهی می‌شود؛

۱۶. انتشار کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌های خطرناک و منحرف، که جوان را به تمام معنا لامذهب می‌گرداند؛

۱۷. پخش نوارهای سخنرانی از مدعیان ظاهر فریب، با هدف ایجاد شبهات و مغالطه‌های علمی برای انحراف عقیدتی نسل جوان؛ ۱۸. پراکندن شایعات، خرافات و...

وقتی جوان به بلوغ جسمی رسیده، ولی هنوز به بلوغ اجتماعی و اقتصادی نرسیده است، برای کنترل غرایز خود چه باید بکند؟

## فصل دوم ارضای جنسی

### انواع نامطلوب ارضای جنسی

در دنیای امروز، ارضای جنسی به چهارگونه صورت می گیرد:

### صورت اوّل: ناارضایی

ناارضایی یعنی ناآگاهی جنسی و محرومیت از آن؛ خواه با انگیزه مذهبی باشد(مثل رُهبانیت یا ریاضت)، خواه عامل دیگری داشته باشد.

آثار نا اِرضایی:

۱. گرایش به عکس‌ها و فیلم‌های عریان و نیمه عریان؛

۲. شرکت در مراسم و مهمانی‌های مختلط؛

۳. گرایش به برخی از تفریح‌های غیر عقلانی و وحشتناک؛ مانند: با موتور تک چرخ زدن، پرش از موانع خطرناک، پریدن از مکان مرتفع، شیشه خوردن، مسابقه برای خوردن (مثلاً ـ یک جعبه نوشابه یا بیست ساندویچ)، مصرف مواد مخدّر، خوردن شراب، دعواهای گروهی، و...

۴. عصبانیت‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و طرفداری از اندیشه‌های افراطی و انتقادی.

جوانی که به هر چیزی انتقاد می کند و همیشه نظرات بدبینانه دارد، اغلب به دلیل طغیان شهوت در اوست و لذا می‌خواهد به هر نحوی که شده، خودش را مطرح کند و به همین علت، در هر جایی که صدای اعتراضی بلند می‌شود، برای هوچیگری و سر و صدا به آن‌ها می‌پیوندد.

### روایتی از معصوم‌علیه السلام

«جوانانی که دست خود را به گناه باز می کنند، پست‌ترین مرده‌های شما هستند و افراد بی همسر، به همین دلیل جهنمی می‌شوند.»

بر همین اساس، «ثواب دو رکعت نماز متأهل، هفتاد مرتبه از نماز مجرّد بیش‌تر است.»

### صورت دوم: خود ارضایی (کامیابی از خود)

عوارض پزشکی و تأثیرات مخرب روانی و روحی آن محرزاست و گناه کبیره بودنش حتمی است؛ حتی عرق بدن چنین شخصی نجس است.

آثار خود ارضایی:

۱. محرومیت از ارضای جنسی با جنس مخالف؛
۲. تحریک جنسی برای جنس موافق؛
۳. ضعف بینایی؛
۴. ناتوانی شدید جسمانی؛
۵. در عمل خود ارضایی، چون نطفه غیر طبیعی خارج می‌شود، دچار اختلالات و امراض می گردد؛
۶. ضعف اراده و ناهنجاری‌های شدید روانی؛
۷. پدید آمدن جنون؛
۸. ایجاد دلهره و اضطراب شدید؛
۹. نابسامانی‌های دینی و گریز از مجالس مذهبی؛
۱۰. خیال بافی و پندار گرایی؛
۱۱. تحریک پذیری سریع؛
۱۲. ضعف حافظه؛
۱۳. ضعف هاضمه؛
۱۴. رشد غم و حسد و حسرت؛
۱۵. بی میلی به کار و بی‌حالی شدید؛
۱۶. ناقص و ناتمام رها کردن بیش‌تر کارها؛
۱۷. شور و اُفت ناگهانی؛
۱۸. علاقه شدید به تنهایی و گریز از مهمانی رفتن؛
۱۹. امراض پوستی و آلت تناسلی؛
۲۰. مشکلات خانوادگی (همسر او مجبور می‌شود به صورت‌های گوناگون خودنمایی کند و به تدریج به فحشا کشیده می‌شود).

## هشدار به نوجوانان و جوانان

۱. از پوشیدن لباس تنگ خودداری کنید(به خصوص لباس زیر).
۲. از هر چیز تحریک کننده شهوت، چشم بپوشید.
۳. به سخنان تحریک کننده غرایز جنسی گوش نسپارید.
۴. از زیاد خوردن، به ویژه در شب‌ها بپرهیزید.
۵. در زمان استحمام کردن، کاملاً عریان نشوید.
۶. به هنگام خوابیدن، برنامه فردای خود را مرور کنید.
۷. با وضو به بستر خواب وارد شوید.
۸. مکان خلوتی را برای خوابیدن انتخاب نکنید.
۹. از بازی کردن با خود، به خصوص در مواقع خوابیدن، خودداری کنید.

۱۰. در موقع خوابیدن، تسبیحات حضرت زهراعلیها السلام را فراموش نکنید.
۱۱. سه مرتبه سوره قل هو اللّٰه احد را قبل از خوابیدن قرائت نمایید.
۱۲. در زمان خوابیدن، خودتان را به امام زمان (عج) بسپارید.
۱۳. از شیرینی، گوشت قرمز، تخم مرغ، ادویه، پیاز و خوراکی‌هایی که محرک غرایز است، کم‌تر استفاده کنید.

## صورت سوم: ارضای آزاد (ازدواج کاملاً حیوانی)

بهره‌گیری بی‌قید و شرط جنسی و کامیابی هرزه گونه، به هر نحوی که بشود.

برخی از آمارهای آثار ارضای آزاد

کشور امریکا:

در سال ۱۹۳۸ م. در کشور امریکا بیش از ۳۰ هزار کودک نامشروع به دنیا آمدند.

در سال ۱۹۶۰ م. (۲۲ سال بعد) بیش از ۴۰۰ هزار کودک نامشروع متولد شدند.

در سال ۱۹۷۹ م. (۱۹ سال بعد) بیش از ۶۰۰ هزار کودک نامشروع به دنیا آمدند.

افزایش سرسام آور فحشا و روابط نامشروع جنسی در امریکا، به وضوح نمایان است؛ به طوری که در سال ۱۹۸۴ م. در این کشور، از هر ۴ نوزاد به دنیا آمده، یکی حرام‌زاده بوده است.

مزاح نکرده‌ایم اگر بگوییم: در ۲۰ سال آینده، بیش از ۸۰ درصد نوزادان امریکایی، حرام‌زاده خواهند بود!

بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان بهداشت امریکا، آمار فساد از روابط نامشروع (ارضای آزاد) در این کشور روز به روز افزایش می‌یابد؛ به طوری که روزانه، بارداری ۳ هزار دختر نامشروع، فقط در بیمارستان‌ها ثبت می‌شود.

کشور انگلستان:

در سال ۱۹۸۴ م. از هر ۵ نوزاد انگلیسی، یکی نامشروع بوده است.

در سال‌های اخیر، این آمار به یک نوزاد نامشروع از هر سه نوزاد رسیده است.

کشور سوئد:

در این کشور از هر ۱۰۰ دختر، ۷۰ دختر، قبل از ازدواج به طور نامشروع بکارت خود را از دست داده و باردار شده‌اند.

نتایج ارضای آزاد

۱. تباه شدن شخصیت انسان؛
۲. پایین آمدن سن بهره‌وری جنسی (وقتی وجودش تُفاله شد، در سن ۴۰ سالگی تصمیم به ازدواج می‌گیرد)؛
۳. سست شدن و تباه شدن روز افزون بنیادهای خانواده؛
۴. بدبینی فزاینده بین زنان و شوهران؛
۵. پیدایش بیماری‌های مقاربتی.

مضحک اما واقعی:

شناسنامه‌های این گروه:

نام: بچه سرراهی نام خانوادگی: نامشروع

نام پدر: ولگرد نام مادر: هرزه

محل زایمان: گوشه مستراح

شماره شناسنامه و ثبت: قاچاقی

## صورت چهارم: بدارضایی زن و شوهر

پیامبر اسلام‌صلی الله علیه وآله فرمودند: «مانند بعضی از پرندگان، آمیزش نکنید.»

امام حسن‌علیه السلام فرمودند:

«هر گاه مردی با دلی آرام و اعصابی آسوده و بدنی آسایش یافته با همسرش ملاقات جنسی کند، نطفه، جایگزین می‌شود و فرزند، مانند پدر و مادر به دنیا می‌آید.»

چه باید کرد؟

اگر اشتراک جنسی را بپذیریم، بهایی شده‌ایم؛ اگر تعطیل جنسی را بپذیریم، مسیحی شده‌ایم؛ ولی اگر تعدیل جنسی را پذیرا باشیم، مسلمان خواهیم بود.

# فصل سوم برنامه‌ریزی قرآن و سنّت

## اولین راه حل

جوانانی که توان ازدواج دارند، باید در انتخاب همسر دقت کنند:

«اَلخَبیثاتُ لِلخَبیثینَ و الخَبیثونَ لِلْخَبیثات، وَ الطَّیِّباتُ لِلطَّیِّبین و الطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبات اوُلئِکَ مُبَرَّؤون مِمّا یَقُولون لَهُم مَغْفرةٌ وَ رِزقٌ کَریم»(۷)

زنان بدکار برای مردن بدکار و مردان بدکار برای زنان بدکار، زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک؛ این پاکیزگان از تهمت‌هایی که ناپاکان می‌زنند، منزه هستند و از خدا برایشان آمرزش و رزق نیکوست.

مولانا می‌فرماید:

ناریان مر ناریان را طالبند

نوریان مر نوریان را جاذبند

جان شیران و سگان از هم جداست

متحد جان‌های مردان خداست

## دومین راه حل

جوانانی که نمی‌توانند ازدواج کنند:

«وَلْیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لایَجِدون نِکاحاً حَتّی یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»(۸)

کسانی که نمی‌توانند ازدواج کنند، باید استعفاف کنند، تا این که خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز گرداند.

استعفاف یعنی چه؟

استعفاف، یعنی: طلب عفت کردن و به گناه آلوده نشدن.

«قُلْ لِلْمُؤمِنینَ یَغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُروجَهُمْ ذلِک اَزْکی لَهُمْ اِنَّ اللَّهَ خَبیرٌ بِما یَصْنَعُونَ»(۹)

به مؤمنـان بگو: چشم‌هایشـان را از نـامحرم فرو ببندنـد، و کمربنـد حیـا و غیرتشـان را برای گناه باز نکننـد. این عمل برای آنان پاک‌ترین چیز است و خداوند به آنچه می‌سازند، آگاه است.

توضیح این که:

وقتی کسـی چشم‌چرانی می‌کنـد، از هر نگاهی یک تصویر ذهنی می‌سازد و از چنـد نگاه، تصویری را خلق کرده، از آن لذّت می‌برد. در حقیقت، آن تصویر ذهنی، تندیس شهوت‌رانی آن شخص است، لذا می‌فرماید:

«به آنچه [در ذهنشان] خلق می‌سازند، آگاه است.»

مناسب است که این کلام حق تعالی را آویزه جان کنیم که فرمود:

«قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَکیّها* وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسّیها»(۱۰)

هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.

قرآن می‌فرماید:

«وَ قُلْ لِلْمُؤمِناتِ یَغْضُـضنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُروجَهُنَّ وَ لایُبـدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا ما ظَهر مِنها وَلْیَضْـربنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ و لایبـدینَ زینَتَهنَّ اِلاّـ لِبُعُولَتِهِنَّ اَو ابـائهِنَّ اَوْ ابـاء بُعولَتِهِنَّ اَوْ اَبنـائِهِنَّ اَوْ اَبناءِ بُعُولَتِهِنِّ اَو اِخوانِهِنَّ اَو بنی اِخوانِهِنَّ اَوْ بنی اَخَواتِهِنَّ اَو نِسـائِهِنَّ او مـا مَلَکَت اَیْمـانُهُنَّ اَو التّـابعینَ غَیْرِ اوُلی الارْبَـةِ مِن الرّجـالِ او الطِفْلِ الَّذینَ لَمْ یَظْهَروا عَلی عَوراتِ النِّساء وَ لایَضْـرِبنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفینَ مِنْ زینَتِهِنَّ»(۱۱)

دستور العمل قرآن برای تمامی دختران و زنان مسلمان

۱. چشم چرانی نکنند.

۲. دامن خود را به گناه آلوده نسازند.

۳. زینت‌های ذاتی (مثل بدن، موها، چشم و ابرو، دست‌ها و پاها) را به نامحرمان نشان ندهند.

۴. سر و سینه و گردن را با مقنعه بلند و گشاد بپوشانند.

۵. زینت‌های عَرَضی (سینه ریز، گوشواره، دستبند، النگو، انگشتر و خلخال) را به نامحرم نشان ندهند.

۶. به گونه‌ای راه نروند که قدم برداشتن آن‌ها صدا کند و جلب توجه نماید.

دستور العمل قرآن برای پدرها، مادرها و ثروتمندان

«وَ اَنْکِحُوا الایامی مِنْکمْ وَ الصّالِحینَ مِنْ عِبادِکُم وَ إِمائِکُمْ اِن یَکُونُوا فُقَراء یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیم»(۱۲)

دختر و پسـر صالـح را به نکـاح یکـدیگر در آوریـد و اگر فقیرنـد، خـدا به لطف خود آنان را بی‌نیاز می‌کنـد و خـدا به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع است.

## سومین راه حل

جوانانی که شرایط ازدواج دائم را ندارند، می‌توانند ازدواج موقت کنند.

البته در ازدواج موقت، باید مواردی رعایت شود، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. زن، وسیله شهوت‌رانی مردان شهوت پرست نشود.

۲. زن باید پس از هر بار که ازدواج موقت می‌کند، عِدّه نگه دارد؛ یعنی چهار ماه و ده روز با هیچ مردی تماس نداشته باشد.

۳. جوان نباید به مرض صیغه کردن این و آن مبتلا گردد (صیغه موقت، مقدمه شهوت پرستی او نباشد).

۴. مهریه باید تعیین شود.

۵. صیغه عقد، باید به صورت شرعی نزد عاقد خوانده شود و ثبت گردد.

۶. اگر احیاناً بچه‌دار شد، فرزند اوست و باید تا آخر عمر نفقه‌اش را بپردازد.

۷. به زن صیغه‌ای که فرزند او را شیر می‌دهد و بزرگ می‌کند، باید اجرت‌المثل بپردازد.

## فصل چهارم حجاب

### حجاب؛ پیام قرآن

حجاب، پیراهن قشنگ عصمت است.

حجاب، چتری است که بید مجنون بر قامت لیلا می‌اندازد.

حجاب، شرم وجودی انسان در برابر خداست.

اگر حجاب نباشد، نمی‌توان معنای رسیدن را دریافت.

اگر حجاب نباشد، تجلّی خداوند، پرهای تماشای ما را می‌سوزاند.

اگر حجاب نباشد، فرشتگان نمی‌توانند با فراغ بال، کاسه گلبرگ‌ها را از الهام خداوند پُر کنند و بر سینه‌های آکنده از مهر خدا فرو ریزند.

حجاب، جامعه را به سوی زیبایی نامحدود و تجلّی بی‌پایان سوق می‌دهد.

حجاب، مردم را به نور دعوت می‌کند.

حجاب، باعث تقدس کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌شود.

حجاب، به ما می‌آموزد که با پای برهنه میان شقایق‌ها نَدویم.

اگر حجاب نباشد، حیای شبنم‌ها به فراموشی سپرده می‌شود.

اگر حجاب نباشد، جامعه به سوی پنجره‌های بی‌تور و مگس‌های مزاحم شهوت خواهد رفت.

اگر حجاب نباشد، صدای چهچهه بلبل به نغمه غم‌آلود جغد بی‌حیا مبدّل خواهد شد.

اگر حجاب نباشد، افعی‌های شهوت‌پرست با ظاهری فریبنده، نیش زهراگین خود را فرود خواهند آورد.

### ای خواهرم!

بنفشه حجاب را از ساقه حیا جدا مکن.

طبیعت زیبای عفت و حیا را با آرامِش و خودنمایی، بد منظر نکن.

خواهرم! حجاب، ارثیه زهراعلیها السلام است.

ای زن به تو از فاطمه این گونه خطاب است

ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است

امّا آیا ما زهرایی هستیم یا نه؟

## قصه قرة العین

بیش از ۷۰ سال پیش در دشت بَدْخش ایران، عده‌ای مردم را در حسینیه بدخش جمع کردند. در آن جا، زنی به نام «طاهره زرّین تاج»، معروف به «شمس الضحی» بود که بهائیان او را «قرة العین» نامیدند. شوهر و پدر او مجتهد بودند و خودش مفسر، محدّث، بحّاث و سیّاس بود.

او اولین زنی بود که چادر از سرش برداشت و نیمه عریان وارد مجلس شد و مستقیم روی منبر امام حسین‌علیه السلام نشست و شروع به سخنرانی نمود.

بخشی از سخنرانی قرة العین این است:

«هان ای اصحاب! این روزگار ما از ایّام فَترت شمرده می‌شود؛ امروز تکالیف شرعیه، یکباره ساقط شد ؛ صلات، صوم، ثنا و صلوات، کاری بیهوده است؛ کنار بگذارید!

آنگاه که "میرزا علی محمد باب" اقاریم سبعه را فرا بگیرد و کتاب خویش را از آسمان دریافت کند و ادیان مختلفه را یکی کند، به تازگی شریعتی خواهد آورد و آن را میان امت به امانت خواهد نهاد؛ آن وقت هر تکلیف جدیدی آورده می‌شود. بر خلق روی زمین در آن زمان واجب می‌گردد عبادت کنند. پس امروز زحمت بیهوده بر خویشتن روا مدارید.

زمان خویش را برای زنان خویش در مزاجعت طریق مشارکت بسپارید و در اموال یکدیگر شریک و سهیم باشید که در این امور شما را عقابی نخواهد بود. هر کسی "بابی" نیست، مالش بر شما حلال است.

هر زن بر نه مرد حلال است؛ اما برای مرد دهم باید مجوّز بگیرد!

من خودم را برای نه مرد آماده کرده‌ام!

هر کس غیر زن خودش را لمس کند، بهشت بر او واجب می‌گردد و این من هستم که آماده لمس شما هستم!»

عموی او فریاد زد و اعتراض شدید نمود؛ همان وقت، دستور قتل عمویش را صادر کرد.

مردم که کارد برای تیز کردن قلم‌هایشان داشتند، بر گلوی خودشان می‌زدند و با بدن خونی، فریاد می‌کشیدند و اعتراض می‌نمودند.

بعضی به حالت بی‌هوشی افتادند و بعضی وحشت زده از مجلس فرار نمودند، اما عدّه‌ای از جوانان شهوت پرست ماندند.

قرة العین فریاد زد:

«هر کس از مجلس فرار کند، اهل دوزخ است و هر کس جذبه من او را فرا گرفته باشد، بهشتی است.»

## کشف حجاب و توطئه بهائیت

سوگراس می‌گوید:(۱۳)

«در جزیره امن، زیر نظر سلطان مراکش، شاه خوابیده بود و کنار گوشش رادیو زمزمه می‌کرد. ناگهان شاه فریاد زد، رادیو را پرتاب کرد و دوید درون تالار و درب ورودی را بست.

دویدیم جلو و گفتیم: چی شده؟

شاه گفت: رادیو خبر داد که نخست وزیر ایران (هویدا) را اعدام کردند.

گفتیم: تو چرا می‌ترسی؟

او گفت: مسأله چیز دیگری است!

شاه گفت: مردم حق دارند بگویند: مرگ بر شاه، درود بر فلانی.

گفتیم: چرا؟

گفت: وقتی پدرم می‌خواست پادشاه بشود، به او گفتند که باید چند کار را انجام بدهی:

۱. زبان ایران را به انگلیسی تبدیل کنی.

۲. چیزهایی را که چشمشان نباید ببیند، بر ملّت عرضه کنی. (کشف حجاب)

۳. آنچه باید به گوششان برسد، مانع شوی. (تعطیلی روضه‌ها و برداشتن عمّامه‌ها)

امّا به من گفتند: اگر قرار شد تو پادشاه بشوی، باید به این مفاد قرارداد عمل کنی:

۱. همان طوری که ما انگلیسی‌ها برای اسرائیلی‌ها در لبنان اسکان پیدا کردیم، باید تو در ایران برای بهائیان اسکان درست کنی.

۲. نخست وزیر (وزیر دارایی) باید مادام العمر، بهائی باشد.

۳. پُست‌های کلیدی را به بهائیان بدهی، تا جاهای مهم استراتژیکی در ایران، پایگاه بهائیت شود، و وقتی دستور حمله دادیم، بهائیت را علیه اسلام قرار دهیم.»

## گزارشی از کشف حجاب در زمان طاغوت

«اطلاعیه از فرمانداری کاشان به کاشان، نطنز و جوشقان»

تاریخ صدور: ۱۳/۳/۱۳۱۵

به نام پادشاه ایران

از قرار اطلاع، بانوان با چارقد در معابر عبور می‌کنند، حتی بعضی‌ها به طور مضحک چادر به سر می‌کنند و خود را مستور می‌نمایند.

چون ادامه این وضعیت، غیر مطلوب و باعث مسؤولیت اینجانب است، اکیداً مقرر می‌گردد که باید زودتر این رویّه، مطرود و ممنوع گردد و نباید هیچ کسی از بانوان با چارقد و چادر در معابر دیده شوند؛ لهذا از تاریخ نشر اعلامیه الی پنج روز دیگر، اگر به این وضع ادامه بدهند، شدیداً تعقیب می‌شوند.

امضاء/حاکم و فرماندار کاشان

«اطلاعیه وزارت کشور برای تمام شهرستان‌ها»

تاریخ ۱۶/۱۱/۱۳۲۰

با وجود این که متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در کلّ کشور اعلام شده است، معذلک طبق گزارشات رسیده از شهرستان‌ها، غالباً در کوچه و بازار، زنان با چادر نماز و گاهی با چادر مشکی دیده می‌شوند؛ چون این ترتیب بر خلاف سیاست دولت است، غَدَغن نمایید و شهربانی به نحو مقتضی جلوگیری نموده و متخلفین را به دادگاه خلاف جلب نمایید.

امضاء/وزیر کشور

«نامه فرمانداری قم به وزیر کشور»

زنان، حرم که می‌خواهند بیایند، چادر از کیف‌هایشان بیرون می‌آورند و بر سر می‌کنند؛ تکلیف ما چیست؟

جواب: «حرم و غیر حرم ندارد؛ چادر را از سرشان بردارید.»

«نامه دیگری از فرمانداری قم»

یک روحانی روز شهادت حضرت زهراعلیها السلام در مورد حجاب حضرت سخنرانی کرده است؛ تکلیف چیست؟

جواب: «دهانش را پر از خون کنید و دهنش را ببندید؛ چون این سخنرانی‌ها بی‌حرمتی به سیاست کشور است.»

«مبارزه با حجاب در یزد»

مردان یزد، بر نامه‌ای که زنان یزدی نوشتند، انگشت زدند و نامه را به تهران بردند و پشت درب مجلس شورای ملّی تحصن کردند.

متن نامه از این قرار بود:

«اگر برای ما یک زن محرمی بگذارید که بتواند تشخیص بدهد، نشان خواهیم داد که تن‌های ما زیر باتون و لگدهای پلیس و مأموران شهربانی شما سیاه شده است.

خدا شاهد است که از فحاشی و لگد زدن هیچ مضایقه نکردند و نمی‌کنند.

تا به حال چقدر زن حامله و مریض به واسطه تظلمات و ضربات که از طرف مأمورین شما داده شده است، جان داده‌اند و چقدر زن از ترس آنان، فلج شده‌اند.

و چقدر مال را به اسم روسری و چادر نماز از سر ما، برداشته‌اند و برده‌اند و چه پول‌هایی به هر اسم و رسمی از ما گرفته‌اند.

خدا می‌داند اگر ما زنان یک روسری یا چادر بر سر داشته باشیم، بهترین رفتار پاسبان شما با ما، لگد با چکمه‌ها به پهلو و پاهای ما بوده است. مگر نمی‌دانید زنان حامله در کوچه‌ها بچه انداخته‌اند و زیر چکمه‌های پاسبان شما لِه شده‌اند.»

والسلام

در تاریخ ۱۸/۸/۱۳۲۰ نامه در مجلس شورای ملی خوانده شد و به وزارت کشور تحویل گردید.

در تاریخ ۳/۹/۱۳۲۰ تحریر شد.

در تاریخ ۳/۹/۱۳۲۰ دستور خروج زده شد.

در تاریخ ۲۰/۹/۱۳۲۰ تحویل فرماندار یزد گردید.

«جواب نامه زنان یزد توسط فرماندار یزد»

«تا من سر کار آمده‌ام، این اتفاقات نیفتاده، ولی قبل از من این گزارشات دروغ نیست؛ امّا خطاب به زن‌هایی که معترض هستند، بگویم:

دستور العمل کشف حجاب از طرف شهربانی یزد نیست، بلکه از وزارت کشور است، و ما مأموریم و معذور که چادر از سر شما بکشیم.

ولی قول می‌دهیم، با حُسن برخورد مأموران شهربانی، مأموریت خود را انجام دهیم.»!

«نامه یک فرماندار متدین به وزیر کشور»

«اجازه بدهید، زنان وقتی می‌خواهند مسجد بروند، برای نماز چادر نماز سر کنند.»

چاپ قرآن توسط حکومت شاهنشاهی و پخش آن در تمام شهرها و روستاها

اولِ قرآن، عکس شاه و عکس نیمه عریان شهربانو و خواهر شاه بود؛ زیر عکس شهربانو نوشته شده بود: «این قرآن اهدایی دختر بی‌بی فاطمه زهرا، شهربانو اسلام پناه ایران» و شجره نامه شهربانو چاپ گردیده بود، که نسل چهاردهم شهربانو، حضرت زهراعلیها السلام است.

توضیح:

وقتی دختران روستاها و شهرها، این قرآن و عکس‌ها را می‌دیدند، به خود می گفتند: این عکس نیمه عریان بی‌حجاب، عکس دختر حضرت زهراعلیها السلام است؛ پس وقتی دختر حضرت زهراعلیها السلام چادر نداشته باشد، ما چادر سر کنیم؟!

## چند روایت در مورد محرم و نامحرم

حضرت رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است. پس کسی که نگاه به نامحرم نکند، از جهت ترس خدا، خداوند به او ایمانی عطا می کند که شیرینی آن را در قلبش احساس می‌نماید.»

آن حضرت صلی الله علیه وآله همچنین فرمودند:

«کسی که چشمش را از حرام پر کند، خداوند چشمش را در روز قیامت از آتش پر می‌نماید، مگر این که توبه کند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرمایند:

«هر کس با زن نامحرم ملازم باشد (دست بدهد)، به غضب خدا رجوع کرده است و هر کس با زن نامحرم ارتباط پیدا کند، در زنجیری از آتش با شیطان مقرون و نزدیک می‌شود و هر دو در آتش انداخته می‌شوند.»

حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله می‌فرمایند:

«تمام چشم‌ها در روز قیامت گریانند؛ مگر سه چشم:

۱. چشمی که از ترس خدا بگرید؛

۲. چشمی که از نامحرم چشم بپوشد؛

۳. چشمی که شب زنده دار باشد.

امام صادق‌علیه السلام فرمودند:

«کسی که چشمش به زن نامحرمی بیفتد، پس چشمش را به آسمان و زمین متوجه کند و به نامحرم نیندازد، خداوند به عزّت و جلالش، حورالعین را به او تقدیم می‌دارد.»

امام موسی کاظم علیه السلام به نقل از پدرشان از قول امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمودند:

«مرد نابینایی بر رسول خداصلی الله علیه وآله وارد شد. حضرت زهراعلیها السلام از او رو گرفتند. وقتی سؤال شد: چرا حجاب گرفتی؟ فرمودند: او نامحرم بود. گفتند: او نابینا بود. فرمودند: او نابینا بود، ولی من بینا هستم.»

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

«غضب خداوند بر زنی که شوهر دارد و با وجود آن، چشمش را از غیر شوهرش پُر می کند، شدید و سخت است.»

# فصل پنجم محورهای ازدواج سالم

## محور اوّل

جوانان، نسبت به ازدواج خوش بین باشند.

البته تلقین منفی در همه جا تأثیر منفی دارد؛ ولی قبل از ازدواج، اگر تلقین منفی بشود، جرأت تشکیل زندگی و فراهم کردن مقدمات آن از بین می‌رود و با یک تفکر ناامیدانه به آن نگاه می‌کند و اگر تلقین منفی بعد از ازدواج صورت گیرد - به گفته روان شناسان - دچار مزاج سوداوی (خون سرد و خشک) می‌گردد و این سرد مزاجی، او را کج خلق، نگران، بدبین، شکّاک و خموش می‌نماید.

## محور دوم

ازدواج، مقدس‌تر از آن است که فقط وسیله شهوت باشد.

«ابو علی»، دوره عشق‌های شهوی را ۶ تا ۷ سال می‌داند؛ البته در این دورانی که بعضی از جوانان، امروز عاشقند و فردا فارغ و قلبشان همچون یک قفس طلایی در باز است که یک روز مرغ عشقی در آن لانه می‌کند و یک روز کلاغی در آن محبوس می‌شود و روزی طوطی، دو روز دیگر جغد و گاهی نیز لانه لاشخور و کرکس می‌گردد، دیگر نمی‌توان گفت دوره عشق ۶ تا ۷ سال است؛ بلکه با جرأت می‌توان این گونه بیان کرد که عشق با هوسبازی ممزوج شده، همانند آب و نمکی که فقط با حرارت تجربه و گذشت زمان می‌توان آن را تفکیک نمود و لذا مدّت عشق‌های امروزی ۶ تا ۷ ماه بیش‌تر نیست.

پس اگر کسانی ازدواج را نوعی وسیله شهوت بدانند، مسلماً مدتی بعد از عروسی، بهانه‌گیری‌ها شروع می‌شود و زندگی با ناراحتی‌ها و عصبانیت‌ها ادامه پیدا می‌کند و سرانجام با تبرِ تیزِ وحشتناک «طلاق»، زندگی آنان به دو قسمت جداگانه تقسیم می‌گردد.

پس جوانان عزیز باید بدانند:

ازدواج، «ادفاع» شهوت می‌کند، نه «اشباع» شهوت.

## محور سوم

جوانان، برای ارزش پیدا کردن آماده شوند.

درختی که پیوندش می‌زنند، بارور می‌شود. انسان با ازدواج، به هنر زندگی دست می‌یابد.

در اسلام، فقط یک فرد تنها زندگی می‌کند و آن هم خداست:

«قُل هُوَ اللَّهُ اَحَد»(۱۴)

ولی در جهان هستی، همه چیز زوج دارد؛ حتی جمادات؛ چرا که وقتی اتم شکسته شد، این مطلب هم ثابت گردید:

«و خلقناکم ازواجاً»

دخترم و پسرم!

کامل کسی است که صفت کمال در او باشد؛ اگر دارای همه چیز بشوی، هنوز کامل نشده‌ای، اما وقتی همسر بگیری، به کمال می‌رسی!

مثال:

اگر تنها یک رشته سیم باشد، نمی‌تواند جایی را روشن کند؛ ولی اگر دو رشته سیم کنار هم قرار گرفت، آن وقت است که

می‌تواند همه جا را نورانی کند.

## محور چهارم

ازدواج را معامله قرار ندهیم.
در قدیم رسم بود تا کودکی به دنیا می‌آمد، او را برای کسی نام‌گذاری می‌کردند، ولی الحمدللّه این سنّت برداشته شد.
نام این عمل، ازدواج «نافی» یا ازدواج «ضربدری» بود؛ یعنی یک دختر بدهیم، یک دختر بگیریم. اگر ازدواج به عنوان معامله باشد، بچه‌هایمان وجه المعامله خواهند شد.

## محور پنجم

معیار انتخاب، تنها ثروت و زیبایی نباشد.

باید بدانیم که در اسلام:

مال:به هیچ وجه ملاک و محور ازدواج نیست.

جمال: زن یا مرد باید تا حدودی داشته باشند.

کمال: اسلام، صد در صد کمالات معنوی را تأیید و تأکید می‌کند.

کمال مرد به زن گرفتن، و کمال زن به شوهر کردن است.

در کتاب‌های اخلاقی، به چنین کمالی (زن گرفتن و شوهر کردن) می‌گویند: «کمال نوعی».

انسان با تحقیق و مطالعه، مشاوره، سخنرانی و تألیف می‌رسد به: «کمال استحقاقی».

همچنین با عمل کردن به دریافت‌های کمال استحقاقی، می‌رسد به: «کمال استکمالی».

پس جمال و مال و نسبت خانوادگی، ملاک نیست، بلکه فضایل اخلاقی و معنوی معیار است.

## محور ششم

عاطفه پسر و دختر را به سوی ازدواج تحریک کنیم.
باید برای پسر، مسأله زن دوستی و برای دختر مسأله شوهر دوستی و برای هر دو، مسأله فرزند دوستی را تشریح کنیم و شیرینی آن را به آنان یادآور شویم. فقط سختی‌ها و ناراحتی‌ها را بازگو نکنیم. آنان نباید مسایل وام، قرض، اجاره نشینی، خرید بازار، مشکلات بچه‌داری، پول زایشگاه و مشکلات دیگر را به منزله کوه سیاه محکمی ببینند که با هیچ دینامیت توکّلی و کلنگ کار و تلاشی نتوان آن را از جلوی راه برداشت.

زندگی را دو گونه می‌توان مشاهده کرد، که انتخاب آن با شماست:

زیبایی زشتی

سلامت و نشاط سستی و بی‌حالی

درایت دریوزگی

یادآوری‌خاطرات‌شیرین یأس‌وناامیدی

به موقع انجام شود.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

«هنگامی که میوه‌درخت‌رسید، ازیک‌طرف‌خورشیدبرآن می‌تابد وآن رافاسدمی‌کندواز طرف دیگر باد می‌وزد و آن را پراکنده می‌نماید.

همین طور است حال دختران؛ چرا که آن‌ها به منزله میوه اشجار منازل می‌باشند؛ لذا وقتی دختر به حدّ کمال رسید و درک کرد آنچه را باید درک کند، دوایی که چاره این درد را می‌کند، وجود ندارد، مگر همسری که خداوند خلق کرده است.

و اگر به خانه شوهر نرود، فاسد خواهد شد و در آن حال، والدین مُجرم خواهند بود.»

والدین سه گونه جُرم می‌کنند:

۱. میوه (دختر) نرسیده را می‌کَنند(شوهر می‌دهند).

۲. میوه (پسر) نرسیده را به بلوغ زودرس می‌رسانند.

بلوغ زودرس از طریق تماشای فیلم‌های ویدئویی، شوخی‌های کذایی، رها کردن آنان در محیطهای مختلط و...

۳. از چیدن میوه رسیده جلوگیری می‌کنند.

## فصل ششم چهار اصل مهم در زندگی

### اصل اوّل زندگی: توکّل به خدا

توکّل، مانند پلی است که یک طرف آن «ربوبیت» و طرف دیگر آن مقام «رضا» است.

اگر از ربوبیت با پُل توکّل بگذری، به مرحله رضا می‌رسی. آن وقت یک باب عرفانی برایت باز می‌شود، به نام «ثقه و اطمینان». ربوبیت، عقیده‌ای بسیار مشکل و سخت است؛ مثل کاردی که گلوی اسماعیل‌علیه السلام را نبرید و آتشی که ابراهیم را نسوزاند.

«توکّل» همچون طنابی محکم است که رشته‌های به هم پیچیده ایمان و تقوا، آن را به طنابی بسیار قوی و محکم مبدّل ساخته است. توکل به خدا می‌تواند آدمی را از صخره‌های مشکلات زندگی بالا ببرد و به قلّه سعادت، آسایش، آرامش و سربلندی برساند.

### اصل دوم زندگی: مسؤولیت‌پذیری

عدّه‌ای مشغول هستند نه مسؤول!

گاهی کسی در محیط کارش مشغولِ مسؤول است؛ خوشا به حال مردم؛ چون هر وقت به او رجوع می‌کنند، او در حال انجام دادن وظیفه است.

ولی عدّه‌ای مسؤول مشغول هستند؛ هر زمان به او رجوع می‌کنی، یا با تلفن صحبت می‌کند، یا با دوستانش گپ می‌زند و یا روزنامه می‌خواند، و خلاصه کاری به ارباب رجوع ندارد. خدا به فریاد مردمی برسد که باید با این گونه افراد سر و کار داشته

باشند!

ما باید در زندگی، تفاوت «مشغولیت» و «مسؤولیت» را بدانیم.

خواهرم!

وقتی شوهر کردی، مسؤول هستی، پس در این صورت، حرف هیچ کسی جز شوهرت نباید در تو اثر بگذارد.

اگر دیگران راهنمایی کردند، بپذیر؛ ولی آنچه را از طریق تلقین منفی بر تو وارد می‌شود، نپذیر.

برادرم!

وقتی همسر گرفتی، مسؤول هستی؛ پس در این مسؤولیت مهم، تنها باید با همسرت در زندگی هماهنگ باشی.

خواهرم!

وقتی ایرادی از شوهرت دیدی، زود قهر نکن و به خانه مادرت نرو، زیرا زندگی امری حیاتی و مقدّس است؛ تجارت نیست، که اگر شکست خوردی، در تجارت بعدی دقت کنی.

برادرم!

اگر شب دیر آمدی و همسرت گفت کجا بودی؟ نگو شوهر کرده‌ام یا زن گرفته‌ام!!

خوشحال باش که دلی با حال اضطراب و دلهره به انتظارت نشسته؛ یادت نرود زن گرفته‌ای که مسؤول باشی، نه مشغول!

خانم!

وقتی شوهرت برای بد حجابی یا آرایش کردن یا پوشیدن جوراب پانما در مقابل نامحرم، یا دقت نکردن در حفظ لوازم زندگی و یا غیبت کردن از دیگران، از تو ایراد گرفت، ناراحت نشو!

شوهری که فکر می‌کنی سخت‌گیری می‌کند، سخت‌گیری نکرده، بلکه احساس مسؤولیت می‌کند و در گوشه دلش تو را مالک دل کرده و مستأجر دیگری نپذیرفته است؛ پس ناراحت نشو و بپذیر.

شهید دستغیب می‌فرمود: دخترها و پسرها قبل از عروسی (دوران عقد) دو دوست باشند و همدیگر را نصیحت کنند تا هر چه ناخالصی هست، از خود دور نمایند، تا یک عمر راحت زندگی کنند. خیلی‌ها حرف‌های دلشان را به همدیگر نمی‌زنند و سال‌ها با هم زن و شوهرند، نه همسر!

در اسلام، آیین «همسری» تأکید شده است، نه «زناشویی».

## اصل سوم زندگی: دوری از ماشینی شدن

فیلم «ماشینیوم» چارلی چاپلین را دیده‌اید؟

چارلی قرار شد قالپاق سفت کن باشد و شش پیچ پایین را سفت کند. آن روز مانند یک ماشین کار کرد. وقتی وارد خانه‌اش شد، دکمه‌های مانتوی زنش هم مثل پیچ قالپاق ماشین بود؛ آن‌ها را هم محکم می‌کرد. زنش فکر می‌کرد او دارد زنداری می‌کند، در حالی که چارلی یک ماشین شده بود!

استاد ارجمند، جناب آقای دکتر مازارچی می‌گفت:

خاطره‌ای از مرحوم شهید آیت اله دستغیب‌رحمهم الله دارم، که بسیار زیبا و شنیدنی است.

دانشجویی از اهل شمال به آقا گفته بود: چند روزی است با خانم خود قهر هستم. ایشان فرموده بود: «معلوم است در همسرداری ناشی هستی!» (راستی کدام زن حاضر است شوهرش، اول یک زن دیگر بگیرد، بعد که زن داری آموخت، با او

زندگی کند؟)

آیت اللّه شهید دستغیب فرموده بود:

«فردا جمعه است؛ مستحب است روز جمعه شما دو نفر، سیب را با دست نخورید؛ بلکه با دهان بخورید. یک نخ به نوک سیب ببند و به پنکه سقفی آویزان کن، بعد دست‌هایتان را از پشت سر ببند و روبه روی همدیگر بایستید و سیب را با دهانتان بخورید.»

دانشجو رفت و بعد از مدّتی آمد پیش استاد و گفت: «آقا! سند این روایت را که فرمودید می‌خواهم!»

بعد شهید دستغیب فرموده بود: «آشتی کردید؟»

گفته بود: «بله آقا! چه آشتی جانانه‌ای!»

سپس شهید دستغیب فرموده بود: «این مطلب، بسیار معتبر است؛ قال الدستغیب پدر آمرزیده!!!»

به این روایت توجه کنید:

از امام صادق‌علیه السلام سؤال شد: آیه «وَلْیَضْرِبْنَ» یعنی چه؟

حضرت در حال مسواک زدن بودند؛ مسواکشان را شستند و بار دیگر بر شانه او زدند و فرمودند:

«زن را بزنید، یعنی این!»

خود این کار، یک شوخی است که مرد با همسرش دارد.

## اصل چهارم زندگی: نپذیرفتن تلقین‌های منفی

اگر کسی در زندگی خود چارچوب اصولی و منطقی داشته باشد، کم‌تر دچار تردید و تلقین منفی می گردد.

در این زمینه، باید به چند هشدار توجه کرد:

۱. بعضی‌ها در معاشرت‌های دوستانه، چیزهایی به انسان می‌گویند که به روابط زن و مرد ضرر می‌رسانند، پس باید مواظب بود.

۲. راز زندگی را صلاح نیست هیچ کس جز زن و شوهر بفهمند؛ حتی والدین طرفین.

۳. اگر مهمانی رفتید، مواظب باشید که شیوه زندگی دیگران، برایتان تلقین منفی ایجاد نکند.

۴. مبادا تعریف‌های دروغین در مجالس مهمانی و پزهای کذایی اطرافیان، زندگی شما را با تلقین منفی خراب کند.

۵. طلا و جواهرات، مبلمان‌های آنچنانی و تجمّلات، شما را نسبت به زندگی دلسرد نکند.

# فصل هفتم دو حکایت شیرین از ازدواج

## قصه داستان یکی از اصحاب صُفه به نام جویبر

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله روزی جویبر جوان را سر به زانوی غم نهاده و ناراحت دیدند. جویبر سخت در فکر فرو رفته بود و در مورد زندگی آینده‌اش که همسر او کیست؟ با فقر چه باید بکند؟ و با صدها فکر دیگر، دست و پنجه نرم می‌کرد.

ناگفته نماند که جویبر، هم از نظر مالی خیلی فقیر بود و از اصحاب صفه و پابرهنگان محسوب می‌شد و هم از نظر ظاهری قیافه جذابی نداشت. او در زشتی صورت، شهره بازار بود، ولی بسیار پاکدامن و مهربان بود.

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله جلو آمدند، دست بر روی شانه او زدند و فرمودند: میل داری مأموریتی را انجام دهی؟
عرض کرد: شما امر بفرمایید، جان می‌دهم.
پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: جویبر! اکنون به نزد لُبید برو و به او بگو: فلانی گفته امشب می‌آیم و عقد زَلفا را می‌خوانم.
جویبر عرض کرد: به چشم؛ ولی یا رسول اللَّه! اگر لُبید پرسید داماد کیست، چه بگویم؟
حضرت فرمودند: بگو جویبر!
عرض کرد: من؟!
فرمودند: آری؛ تعجب نکن! خداوند فرموده است:
«وَ اَنْکِحوُا الْایامی مِنْکُمْ وَ الصَّالِحینَ مِنْ اِمائکُمْ اِنْ یَکوُنُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ»
ناگفته نماند که لُبید از بزرگان قریش و از شرکاء بازار عکاظ و بالاترین تاجر زمان بود. او حتی به قارون زمان معروف بود.
هر کس وارد خانه او می‌شد، یک شِنِل زیبای زرباف روی شانه او می‌انداختند که بسیار قیمتی و با ارزش بود و این فقط به افتخار این بود که لیاقت پیدا کرده بود لُبید را ملاقات نماید.
جویبر پابرهنه سیاه، اما سفید قلب، به خانه لُبید رسید. در را کوبید و گفت: از طرف پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله پیامی دارم که به لُبید برسانم. اجازه ورود گرفت. شِنِلی بر روی شانه او انداختند. جویبر شِنِل را از شانه‌اش برداشت و دو دستی تقدیم نمود و گفت: مرا با شِنِل‌های زرباف دنیا کاری نیست؛ مرا به همان ردای پُر ارزش مسلمانیم افتخار است. پیامی از نبی‌اکرم‌صلی الله علیه وآله دارم.
آن روز لُبید با تجّار بزرگ قریش، مکه، شام، یمن و ایران، جلسه‌ای تجاری داشت.
لبید جلو آمد و گفت: جویبر! پیام مولا و سرور عالم، نبی اکرم‌صلی الله علیه وآله را در بین دوستانم در جلسه تجاری با بانگ بلند بفرما، تا همه حضار به شنیدن پیام پیامبرصلی الله علیه وآله مفتخر گردند.
جویبر فرمود: لبید! بگذار پیام را در گوش تو بگویم، آن وقت اگر صلاح دانستی، با بانگ بلند می گویم تا همه بشنوند.
لبید گفت: خیر، من زنان حَرَم را نیز صدا می‌کنم تا همه حضار و خادمان و زنان حَرَم، از پشت پرده، پیام رسول اللَّه‌صلی الله علیه وآله را بشنوند. مجلس را آماده نمودند؛ همه به جویبر نگاه می‌کردند و در اندیشه این بودند که او چه پیامی آورده است.
جویبر گفت: جناب لبید! پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند: امشب به منزل شما می‌آیم تا عقد دخترت زَلْفا را بخوانم.
لبید، لبخندی زد و گفت: چه افتخاری بالاتر از این است که رسول اللَّه‌صلی الله علیه وآله عاقد باشد و داماد مرا او انتخاب کند. زلفا، خواستگاران زیادی دارد؛ حتی پادشاه ساسانی ایران نیز برای پسرش از زلفا خواستگاری نموده، ولی من موافقت نکرده‌ام.
اکنون بگو بدانیم داماد کیست؟
جویبر گفت: جناب لبید، بگذار این مطلب را در گوش تو بگویم؛ گفت: خیر، باید با صدای بلند بگویی تا همه بدانند داماد کیست.
همه دیده‌ها به جویبر دوخته شده و نفس‌ها به شماره افتاده بود. همه منتظر جواب بودند، چون برای همه بسیار مهم و شنیدنی بود که بدانند داماد کیست.
جویبر سرش را به زیر انداخت؛ صورتش را عرق شرم فرا گرفته بود؛ صدایش به لرزه افتاد؛ کمی مکث نمود و این پا و آن پا

کرد و با صدایی آهسته گفت: جویبر.
لبید کمی جلو آمد، اخم‌هایش را درهم کشید و گفت: جویبر؟!
جویبر سکوت کرد. لبید نگاهی به حضار کرد و با حالتی بسیار ناراحت، سرش را به دیوار زد و گفت: زین ابریشم زرباف کجا، پالان الاغ کجا؟
حاکی از این که چه مناسبت و شباهتی بین زلفا و جویبر وجود دارد؟
سپس لبید، فریاد زد: جویبر! برو به محمدصلی الله علیه وآله بگو که اسلام آوردم و مسلمانت شدم، امّا به مسایل زندگی من کاری نداشته باش!
جویبر سرافکنده و آهسته به طرف درب خروجی منزل لبید حرکت کرد که ناگهان، صدایی از پشت پرده، در قسمت زنان حرم بلند شد: جویبر بایست!
جویبر ایستاد و برگشت. نگاهی به لبید کرد و با سکوتِ همراه با نگاه خود، منتظر جوابی بود.
آری! صدای زلفا بود؛ زلفایی که شاگرد زهراعلیها السلام بود.
زلفا صدا زد: پدر! آیا خودت را زین ابریشم زرباف دانستی و نماینده پیامبرصلی الله علیه وآله را پالان الاغ؟ آیا مسلمانی فقط به بیان و اقرار به شهادتین است؟ آیا پیامبرصلی الله علیه وآله آمده که ما شهادتین بگوییم و هر کاری که دلمان خواست، بکنیم و بگوییم؛ مسایل خصوصی زندگیمان کاری با پیامبرصلی الله علیه وآله ندارد؟ هرگز! من چنین مسلمانی را مسلمان نمی‌دانم.
پدر! من به جویبر راضی هستم و اجازه بده که پیامبرصلی الله علیه وآله برای خواندن عقد تشریف بیاورند.
بدین ترتیب، پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله عقد زلفا و جویبر را خواندند و طولی نکشید که جویبر در جنگ اُحُد به شهادت رسید و نام زَلْفا، با افتخار، در طومار زنان شهدای اُحُد ثبت گردید.

## در خواستگاری، سخت نگیرید

ظهر ۲۱ ماه رمضان، مسجد شیخ مملوّ از جمعیت بود. همه بعد از نماز جماعت، منتظر شنیدن مواعظ حکیمانه علاّمه بودند. جای سوزن انداختن نبود. فضای صحن و مسجد و اطراف آن، پُر از مردمی عاشق و شیفته سخنان پُربار و جذاب علامه شوشتری بود.
با ذکر صلوات، همه به احترام بالا رفتن علامه از منبر، بلند شدند و با نشستن علامه، همه مردم نشستند و آماده شنیدن سخنان ایشان شدند.
علامه پس از خطبه فرمود: موضوع بحث امروز من، تفسیر آیه ۳۲ سوره نور است که می‌فرماید: در امر خواستگاری، سخت نگیرید. چه اشکالی دارد اگر دختری دارید و داماد نیکویی سراغ داشتید، شما به او پیشنهاد ازدواج بدهید؟ مگر حضرت شعیب‌علیه السلام برای صفورا - دختر عفیفه و نجیبه و پُر خواستگارش - پیشنهاد ازدواج به موسی نداد.(۱۵)
امروز نیز که روز ۲۱ ماه مبارک رمضان است، به شما عرض می‌کنم: من نیز دو دختر با این خصوصیات دارم.
شرایط داماد را نیز بیان فرمود.
آنگاه به مردم خطاب کرد: هر کسی شرایطش را دارد، بیاید به من رجوع کند.
مردم از این که علامه هر چه می‌گوید، خود نیز به آن عمل می‌کند، برایشان بسیار جالب و جذّاب بود. خلاصه، سخنرانی تمام

شد و علامه از مسجد بیرون آمد و به طرف منزل حرکت نمود.

در بین راه، احساس کرد که جوانی در پی او حرکت می‌کند، ولی خجالت می‌کشد جلو بیاید. علامه ایستاد و به طرف جوان رفت و فرمود: پسرم! کاری داری؟

عرض کرد: آقا! سیّد صدر هستم و فکر می‌کنم که شرایط دامادی را داشته باشم؛ اگر قابل می‌دانید، من برای ازدواج آمادگی دارم.

علامه او را به منزل بردند و با دخترشان مشورت نمودند و بعد از مراسم، عقد را خواندند و چند روز بعد، آن دو عروسی کردند.

سال بعد، ظهر ۲۱ ماه مبارک رمضان، علامه فرمود: نوه مرا از قسمت زنانه بگیرید و به من بدهید. مردم دیدند که بچه شیرخواره‌ای را به دست علامه دادند. علامه، کودک را سر دست گرفت و فرمود: مردم! یادتان هست سال گذشته در همین مسجد، روی همین منبر، به شما گفتم: دختری دارم؛ اگر کسی شرایطش را دارد به من رجوع کند؟

این کودک، سیّد است و فرزند زهراعلیها السلام. اگر من چنین نگفته بودم، اکنون این کودک در دستان من قرار نداشت.

## فصل هشتم انواع ازدواج در اسلام

### ازدواج‌های پیش از اسلام

در زمان جاهلیت، ازدواج، هشت صورت قانونی داشت و اگر کسی از این صورت‌ها تخلّف می‌کرد، زنا محسوب می‌شد.

۱. نکاحُ الرّحْطْ:

هر زنی می‌توانست در یک زمان، کم‌تر از ۱۰ شوهر داشته باشد و اگر احیاناً زن حامله می‌شد، آن زن، تکلیف پدرِ بچه را با انتخاب یکی از آن چند مرد، روشن می‌نمود.

(مخفی نماند این نوع ازدواج از طرف بهائیت در مملکت ما مطرح شد و بهائی‌ها به این ازدواج «ازدواج مقدس» می‌گویند. به همین دلیل، عدد نه برای بهائیان بسیار مقدس می‌باشد؛ چنان که در بحث حجاب آمد).

۲. نکاح الْاِسْتِبْذاءُ:

یعنی: زناشویی برای تولید مثل. اگر زنی یا شوهر او، از جوانی یا مردی خوشش می‌آمد و دوست داشت فرزندش همانند او شود، او را برای زناشویی دعوت می‌کرد، تا زن از این مرد حامله گردد و کودکی که به دنیا می‌آید، شکل و شمایل او را پیدا کند.

۳. نکاحُ الْمَقْتْ:

یعنی: ازدواج با نامادری. اگر پدری فوت می‌شد، زن پدر نیز مانند ارث به پسر اول می‌رسید. در صورت نداشتن پسر، هر کس از اقوام درجه یک، دستمالی روی سر آن زن می‌انداخت، آن زن همسر او می‌شد.

۴. نکاح الاجبار:

در زمان جاهلیت، دختر، هیچ اراده‌ای در امر انتخاب شوهر خود نداشت و پدر او سرنوشت ازدواج او را رقم می‌زد. متأسفانه، در زمان ما نیز هنوز ریشه‌های جاهلیت در این امر، خشکیده نشده است.

البته، پدر و مادرها باید هدایتگر باشند، ولی جوان نیز باید در امر انتخاب، مختار باشد. درست است که آنچه پیر در خشت

خام می‌بیند، جوان در آینه صاف نمی‌بیند، ولی هم والدین و هم جوانان باید به حقوق یکدیگر احترام بگذارند.
۵. نکاحُ الجمع:
یعنی: ازدواج همگانی. بعضی‌ها تعداد همسران خود را زیاد می‌کردند و در بالای درب خانه خود پرچم سیاهی نصب می‌کردند، تا هر کس میل دارد، با پرداخت مبلغی با همسران او زناشویی کند و این نوع ازدواج، منبع درآمد بسیاری بود.
۶. نکاح الشِّقار:
ازدواج از طریق معامله بود ؛ به طوری که مردی دخترش را به کسی می‌داد و دختر او را می‌گرفت؛ یا خواهرش را می‌داد، خواهر او را می‌گرفت و مهریه متقابل ردّ و بدل می‌شد.
۷. نکاحُ الخِدم:
شوهر زن، به دوستانش اجازه می‌داد در مواقع مهمانی، از همسرش لذّت چشمی ببرند و با او همبستر شوند.
۸. نکاح البَدَل:
یعنی: زناشویی تعویضی برای مدتی معیّن. اگر مردی از همسر کسی خوشش می‌آمد و او از همسر این، برای مدّتی زنان خود را با همدیگر عوض می‌کردند.
در دوران جاهلیت، اگر کسی غیر از این هشت مورد ازدواج قانونی، با زنی همبستر می‌شد، زنا محسوب می‌گردید. البته از دیدگاه اسلام، همه این ازدواج‌ها مردود است.

## ازدواج‌های پس از اسلام

الف. ازدواج‌های حرام
۱. محارم نَسَبی: خواهر، برادر، پدر، مادر، خاله، عمه، دایی، عمو، مادربزرگ، پدربزرگ، پسر برادر، دختر خواهر، پسرخواهر، نَوِه و...
۲. محارم سَببی: مادر زن و هر چه بالاتر رود، عروس، داماد، پدر شوهر و هر چه بالاتر رود.
۳. محارم رضاعی: هشت شرط دارد که یکی از آن‌ها مکیدن است، نه دوشیدن و به طفل دادن.
۴. زنا: ازدواج با افراد زیر برای انسان حرام ابدی است:
الف. با زن شوهردار؛
ب. با زنی که در عدّه است؛
ج. مادر یا خواهر کسی که با او لواط کرده باشد.
۵. سه طلاقه کردن زن
۶. کُفر: ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، حرام ابدی است؛ چه موقت و چه دائم. ازدواج مرد مسلمان با زن کافر حرام ابدی است؛ چه موقت و چه دائم.
هشدار: ازدواج مرد مسلمان با زن صاحب کتاب، به طور موقت اشکال ندارد؛ ولی ازدواج دائم اشکال دارد.
جوانانی که به خارج از کشور سفر می‌کنند، اگر بخواهند ازدواج کنند، باید زن مسلمان باشد، ولی اگر از اهل کتاب است، تنها می‌توانند ازدواج موقت کنند.
۷. ارتداد: اگر زن و شوهر مسلمان باشند و بعد از ازدواج، یکی از این دو مرتد شود (یعنی از دین اسلام خارج گردد)، از

همان لحظه عقد باطل می‌شود و باید از همدیگر جدا شوند.
۸. ازدواج و جماع در حال احرام
۹. ناصبی و ناسزاگو به اهل بیت‌علیهم السلام و نیز کسانی که درباره اهل بیت‌علیهم السلام غلو می‌کنند؛ مثل بعضی از متصوفه‌ها که حضرت علی‌علیه السلام را خدا می‌دانند.
ب. ازدواج‌های مکروه
۱. با زنان زناکار، مگر این که ازدوج با او مصلح و مؤثر باشد؛
۲. ازدواج با زنازاده؛
۳. ازدواج با زنی که قابله داماد بوده است؛
۴. ازدواج با دختر قابله داماد.
ج. ازدواج‌های مستحب
۱. با دختر سیّده؛
۲. با دختر باکره؛
۳. با دختر گندمگون؛
۴. با دختر چشم فراخ؛
۵. با دختر قد بلند؛
۶. با دختر با کمال و جمال؛
۷. با دختری که مهریه او کم باشد؛
۸. با دختر فقیر و بی بضاعت.

## فصل نهم

## معیارهای انتخاب

به طور کلی، دانشمندان برای انسان چهار تعریف بیان کرده‌اند:
۱. انسان حیوانی است ناطق؛ بعد از مدتی متوجه شدند که اشتباه تعریف کرده‌اند؛ چون به این نتیجه رسیدند که همه حیوانات ناطقند، ولی ما نطق آنان را نمی‌فهمیم.
۲. انسان حیوانی است بازیگر؛ باز متوجه شدند این خصیصه نیز در تمام حیوانات وجود دارد.
۳. انسان در بدو تولّد حیوانی است بالفعل و انسانی است بالقوه.
۴. انسان موجودی است منتخَب و منتخِب.
به راستی که تعریف چهارم را باید دقیق مطالعه کرد و به عظمت اندیشه انسان پی بُرد.
خارجی‌ها می گویند: تو بگو چه بخورم تا بگویم چه فکر می کنی!
امّا بزرگان اسلام می گویند:
تو اوّل بگو با کیان دوستی

پس آنگه بگویم که تو کیستی؟
آزمایش خودیابی و خودشناسی، بسیار در سرنوشت انسان مؤثر و مهم است.
صبح، یک کاغذ بردار و انتخاب‌های خودت را تا شب بنویس.(۱۶)

## هفت معیار مهم برای انتخاب

معیارهای انتخاب عبارتند از:
معیار اول: کُفویت
پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:
«اگر علی نبود، برای فاطمه کفوی پیدا نمی‌شد و بالعکس.»
بعضی از جوانان عزیز، معیار انتخاب را همدلی با طرف می‌دانند؛ در حالی که باید اول همگلی را ارزیابی کنند، تا بعد به همدلی برسند. پس معیار اول ارزیابی برای انتخاب همسر، «کفو بودن» است.
مولانا می گوید:
نوریان مَر نوریان را طالبند
ناریان مَر ناریان را جاذبند
جان شیران و سگان از هم جداست
متحد جان‌های مردان خداست
مثال: در یک قفس طلایی بسیار زیبا با تمام امکانات رفاهی، آیا کلاغ و طوطی می‌توانند با همدیگر زندگی کنند؟
قرآن کریم در آیه ۲۶ سوره مبارکه نور می‌فرماید.
«الخَبیثاتُ لِلْخَبیثینَ وَ الْخَبیثونَ لِلخَبیثات وَ الطَّیباتُ لِلطَّیّبین و الطَّیّبُونَ لِلطَّیّباتِ اُولئِکَ مُبرُّؤن مِمّا یَقُولون لَهُمْ مَغْفِرةٌ و رِزْقٌ کریم»
زنان بدکار برای مردان بدکار و مردان بدکار برای زنان بدکار، زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک؛ اینان (نیکان) بری هستند از تهمت‌هایی که مردم بدکیش می‌زنند و برای نیکان، مغفرت و رزق نیکویی است.
همچنین در آیه ۳ سوره مبارکه نور، چنین آمده است:
«الزّانی لایَنْکِحُ اِلاّ زانِیةً اَوْ مُشْرِکَهً و الزّانیَهُ لایَنْکِحُها اِلّا زانٍ او مُشرِک وَ حُرِّمَ ذلِک عَلی المؤمنین»
مرد بدکار مگر با زن بدکار یا مشرک، و زن بدکار مگر با مرد بدکار یا مشرک ازدواج نمی کند، و حرام است ازدواج مؤمنان بامشرک و مشرکه و زن و مرد بدکار.
معیار دوم: ایمان و دینداری
پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:
«مَنْ تَزَوَّجَ اِمْرَأَةً لایَتَزَوَّجُها اِلّا لِجَمالها لَمْ یَرفیها وَ مَنْ تَزَوَّجَ اِمْرَأَةً لایَتَزَوَّجُها اِلّا لِمالها لَم یأکُل مِنْها فَعَلیکُمْ بِذات الدّین»
کسی که ازدواج کند با زنی برای زیبایی او، خیر از زیبایی زن نمی‌بیند و کسی که برای مال (و جهیزیه) با زنی ازدواج کند، از آن مال نمی‌خورد. پس بر شما باد به دین و ایمان توجّه کنید.
معیار سوم: اصالت زندگی
امام علی‌علیه السلام فرمودند:

«کُونوا کَالنَّحل وَ لاتَکَونوا کالنَّمل»

همانند زنبور باشید و مانند مورچه نباشید.

مواظب باشید دختر یا پسر مسموم (بی‌دین و بی‌ریشه) را درون کندوی زندگیتان راه ندهید.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

«اِیَّاکُمْ وَ خَضْراءُ الدّمَنْ»

بترسید از سبزی گندیده در گنداب.

(کنایه از دختر یا پسری که در خانواده بی‌ریشه و بی‌فرهنگ تربیت شده باشد.)

معیار چهارم: حیا پیشه و خجول

امام صادق‌علیه السلام فرمودند:

«بهترین فرزندان ما، عاقلان خیراندیش و بهترین دختران ما، عاقلان با حیا و خجالت پیشه‌اند.»

معیار پنجم: جاذبه‌دار برای شوهر

امام صادق‌علیه السلام می‌فرمایند:

«بهترین زنان شما کسانی هستند که برای شوهرانشان از نظر خوش‌خویی و خوشی بویی و طباخی جاذبه‌دارتر، باشند.»

معیار ششم: عفیف و پاکدامن

امام صادق‌علیه السلام فرمودند:

«بهترین همسر، همسری است که ناموس دوست و شیفته شوهر باشد.»

معیار هفتم: معیارهای ویژه

حضرت علی‌علیه السلام می‌فرمایند:

«زن باید برای نامحرم متکبر باشد (دوری از اختلاط محرم و نامحرم)؛ باید از نامحرم بترسد (حفظ دامن خود)؛ باید بخیل باشد (حفظ مال).»(۱۷)

سعدی چه زیبا سروده است:

زن خوب فرمانبر پارسا
کند مرد درویش را پادشا
برو پنج نوبت بزن بر درت
چو یاری موافق بود در برت
همه روز اگر غم خوری غم مدار
چو شب غمگسارت بود در کنار
کِه را خانه آباد و همخوابه دوست
خدا را به رحمت نظر سوی اوست
چو مستور باشد زن خوب روی
به دیدار او در بهشت است شوی
دل آرام باشد زن نیکخواه

ولیک از زن بد خدایا پناه

تهی پای رفتن به از کفش تنگ

بلای سفر به که در خانه جنگ

به زندان قاضی گرفتار به

که در خانه بینی بر ابرو گِره

## فصل دهم تحقیق از صفات همسر

### مفهوم و هدف تحقیق

تحقیق، یعنی جستجو برای کسب آگاهی‌های جدید و حقیقی نه واقعی. مفهوم تحقیق، کنجکاوی از تمایلات طبیعی انسان است. کودک از اوایل زندگی، کنجکاوی را شروع می‌کند تا با صداها، رنگ‌ها، حجم‌ها و پیرامون خود آشنا شود.

هدف تحقیق، تبیین اهداف و تعیین مسیر و حلّ مسأله است، و حلّ مسأله با تجربه انجام می‌شود. تحقیق، همان کوشش برای دریافت جواب مناسب و مشخص نمودن رابطه‌هاست.

«شیخ الرئیس ابوعلی سینا» می‌فرماید:

«اگر برای یک اشتباه، هزار دلیل صحیح بیاوریم، نتیجه‌ای که حاصل می‌شود، هزار و یک اشتباه خواهد بود.»

### شعور و دقت در تحقیق

باید با شعور فراوان و دقت بسیار، مسایل ازدواج را پی گیری کرد.

واژه «دقیق» از «دقَّه» مشتق شده، که دانه آردی است که با سر سوزن برداشته شود. واژه «شعور» از «شعر» می‌آید، که به معنی مو است. لذا کار زندگی باید همانند سر سوزن و باریکی مو با همان ظرافت خاص شروع شود.

نتیجه دقت و شعور در ذهن، تحقیق در زندگی است.

جوانان عزیز نباید فراموش کنند که اولین اشتباه برای ورود به زندگی، آخرین اشتباه است تا پایان عمر.

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:

«ازدواج، نوعی سرپرستی دادن به دیگری است؛ پس هنگام ازدواج دخترتان، بنگرید که او را تحت سرپرستی چه کسی قرار می‌دهید.»

برای انتخاب همسر، باید با دیدگانی باز، به صورت همه جانبه به زندگی آینده نگریست و با مشاهده صحیح، راه دشوار آینده را هموار کرد.

نوع دیدن یکسان نیست؛ گاهی نگاه «خریداری» است؛ ولی یک وقت «تماشایی» است.

در این زمینه، شنیدن قصه شیخ بهایی(رحمهْاللّه)، پنبه زن و شاه عباس جالب است:

وقتی سلطان از پنبه زن سؤال کرد که به نظر تو این قطعه زمین به چه دردی می‌خورد؟

گفت: بهتر است کُلوزه پنبه کاشته شود.

ولی وقتی از جناب شیخ سؤال شد که چه باید کرد؟

فرمود: «مدرسه علمیه طلاب ساخت.»
به دلیل همین فرمایش جناب شیخ، مدرسه چهار باغ اصفهان ساخته شد.
قرآن کریم درباره انتخاب همسر، بسیار لطیف و زیبا سخن می گوید:
«نسائُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ فَأتوُا حَرْثَکُمْ اَنَّی شِئْتُمْ»(۱۸)
زنان شما کشتزار شما هستند؛ ببینید کجا زراعت می کنید.
در موضوع کشاورزی، هر چیزی که لازم باشد، در انتخاب همسر و زناشویی و فرزند نیز باید رعایت شود:
اداره کشاورزی دفتر ازدواج

کشاورز داماد

زمین کِشت عروس

بذر نطفه

تقویت زمین ایجاد روحیه قوی با عبادات و تلقین‌های عاطفی و مثبت

تقویت بذر خوراکی‌هایی که عروس و داماد می‌خورند (لبنیات، حبوبات، میوه‌ها و گوشت)

زمان کشت ایام مبارک و سفارش شده در احادیث

نوع کشت اسلامی، با آداب و رسوم خاص و مذهبی و علمی

سم پاشی دوری از گناه و فشارهای روحی

پایشت دوری از بی‌توجهی به دستورهای پزشکی و علمی

## انواع تحقیق

تحقیقات را از سه گروه شروع و کامل کنید:
۱. اقوام و دوستان نزدیک؛ ۲. مشاور خانواده در کلینیک‌های مشاوره؛ ۳. شخص مورد نظر.
در تحقیقات به چهار موضوع مهم توجه داشته باشید:
۱. نوع لباس پوشیدن و آرایش ظاهری
اگر داماد دوست داشته باشد که لباس‌های جلف و تنگ و دور از شأن مردانگی بپوشد و یا آرایش موهای آن‌چنانی داشته باشد، مطمئن باشید او یک انسان جلف و بی‌وقار است.
۲. چگونگی سخن گفتن
اگر دیدید داماد به اصطلاح امروزی‌ها «لات‌ـتی» سخن می گوید، بدانید او یک آدم بی‌فرهنگ، دعوایی و بی‌ادب و بی‌وقار خواهد بود.
انسان وقتی سخن می گوید، با محتوای کلامش، مایه علمی، ادبی و شعور خانوادگی خود را به معرض نمایش می گذارد؛ بنابراین، از چگونگی سخن گفتن او و به کارگیری نوع اصطلاحات و نحوه بیان مطلب، می‌توان شخصیت پنهان او را شناسایی کرد.
۳. دوستان و رفقای او(۱۹)
شناسنامه آدمی، به دوستان و اطرافیان او گره خورده است.

هر کسی را خواستید بشناسید، به دوستان او نگاه کنید.

امام صادق‌علیه السلام فرمودند:

«درباره کسی قضاوت نکنید، تا این که دوستانش را ببینید.»

۴. کردار و رفتار او:

باید دید که او در کوچه و بازار و در رفت و آمدها، چگونه با مردم رفتار می‌کند.

حتی اگر بتوانید برنامه‌ای بچینید که او عصبانی شود، آن وقت در عصبانیت، هر چه در دل پنهان کرده، بیرون می‌ریزد و از حالت نمایش و فیلم بازی کردن خارج می‌گردد. آنگاه ادب و شعور خانوادگی خود را نشان می‌دهد که آیا اهل فحّاشی، دعوا و کتک‌کاری هست یا نه؟

اگر بتوانید به طریقی و او را به یک مهمانی غیر استاندارد دعوت کنید و رفتار او را کنترل نمایید، خواهید فهمید که اهل هرزگی و رفتارهای ضدارزشی هست یا نه؟

خلاصه، توجه داشته باشید: کم نیستند گرگ‌هایی که در لباس میش زندگی می‌کنند.

## صفات داماد از نگاه پیشوایان معصوم‌علیهم السلام

۱. اخلاق خوش داشته باشد.

۲. مُخَنّث نباشد.(همانند زن‌ها لباس نپوشد، مانند آنان حرف نزد و...)

۳. فاسق نباشد.(فاسق، کسی است که غیرت و حیا را قبول دارد، ولی اهل عمل نیست.)

۴. شرابخور نباشد.

حضرت علی‌علیه السلام فرمودند:

«اگر داخل چاهی یک قطره شراب ریخته شود و چاه را با خاک پُر کنند و بر آن مناری بسازند و مأذنه‌ای درست کنند، من بالای این مأذنه اذان نمی‌گویم.»

۵. فحاش و بد دهن نباشد.

۶. بخیل و تنگ نظر نباشد.

۷. تنها خور و شکم پرست نباشد.

۸. عصبانی مزاج و کتک زن نباشد.

۹.ناصبی و ناسزاگو به اهل بیت‌علیها السلام‌نباشد.

مواظب باشیم زمینه تکثیر مخالفان و معاندان اهل بیت‌علیهم السلام را فراهم نکنیم.

۱۰. نفقه خور پدر خویش نباشد.

جوان باید از کسب و کار و زحمت و تلاش خویش، نفقه همسرش را بدهد و هنر مرد در نفقه دادن است.

قرآن از قول دختر حضرت شعیب می‌فرماید: حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - دو صفت بارز دارد: ۱. قوی (اهل کار و تلاش)؛ ۲. امین (چشم پاک).

۱۱. متوجه مسایل عبادی و شرعی باشد.

جوانی که اهل نماز، روزه و واجبات دینی نباشد، لقمه او حرام و برای مصرف جایز نمی‌باشد. مواظب باشیم دخترمان را بر سر

سفره حرام ننشانیم.

## فصل یازدهم مهریه

### میمنت زن در سبک بودن مهریه

رسول خداصلی الله علیه وآله می‌فرمایند:

«یُمْنُ الْمَرْأَةِ تَیْسیرُ خِطْبَتِها وَ تَیْسیرُ صِداقِها»(۲۰)

میمنت و خیر زن در آسان بودن خواستگاری و سبک بودن مهریه اوست.

مَهْر: به معنای بها و هدیه است. در دوران جاهلیت، زن خرید و فروش می‌شد.

اسلام به جای آن، یک مُهر طلایی به نان «مَهریه» بر دوش زن زد و او را از بردگی نجات داد.

صِداق: هدیه‌ای الهی است که پیش از ازدواج به زن تعلّق می گیرد.

نِحلَة: مرحوم راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌نویسد:

«نِحلَة از نَحل (زنبور عسل) گرفته شده». مرد باید همچون زنبور - که در کندو عسل می‌ریزد - به شیرینی شهد و عسل برای زن باشد.

قرآن می‌فرماید:

«وَ اتُو النِّساءَ صَدُقتِهِنَّ نِحلَةً فَاِنْ طِبنَ لَکُمْ عَنْ شَیءٍ مِنْهُ نَفْساً فَکُلُوا هَنیئاً مَریئا»

مهر زنان را از روی رضا و خشنودی به آن‌ها بپردازید؛ پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، از آن برخوردار شوید که آن برای شما حلال و گوارا خواهد بود.

مَهر: هدیه مرد است به زن؛ چون زن یک نقطه اتکا می‌خواهد تا دل بکند و به نقطه دیگر دل ببندد. خداوند برای دلگرمی او و پشتوانه اقتصادی او در مواقع مشکلات (طلاق)، مهریه را قرار داد تا از زن حمایت کرده باشد.

پدر و مادر گرامی! دختر عزیزت را به اقتصاد، شوهر مده!

### شعری درباره مهریّه

به دختردارها دارم نصیحت
که می‌باشد پیمبر را وصیّت
که از داماد سیم و زر نخواهید
به غیر از پاکی گوهر نخواهید
بپرس از او که از ایمان چه داری
نه از سیم و زر و بُستان چه داری
اگر داماد با تقوا و دین است
مخور غم زان که دلسوز و امین است
نگهداری کند از دختر تو

بر افروزد فروغ اختر تو
ولی آن کس که بی دین است و لاقید
ندارد جز جفا و کینه و کید
وگر نصف جهان باشد از آنش
فزون‌تر باشد از عالم زیانش
که در بی‌دین، وفا و عاطفت نیست
صفا و مردمی و معرفت نیست
اَلا مهریه را سنگین چه خواهی
که این دور است از امر الهی

## انواع مَهریه

۱. مهر المُسمّی: مقدار مهریه‌ای است که مورد توافق و رضایت عروس و داماد قرار گرفته و در عقد آمده است.

۲. مَهر السُّنه: پانصد درهم نقره‌ای که با فروش زره حضرت علی‌علیه السلام پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله برای حضرت زهراعلیها السلام قرار داد.

۳. مَهرُ المثل: مقدار مهریه‌ای که برای زنان مشابه زن، معمول است.(دختران اقوام، همسایگان، همشهریان)

۴. مَهر التفویض: مهریه‌ای که توسط یکی از عروس و داماد به واسطه واگذاری به غیر صورت می گیرد.

۵. مهر التفویض البُزْع: اگر عقد بدون مهریه اجرا شود، به آن «تفویض البُزع» می گویند.

## چیزهایی که می‌توان مهریه قرار داد

۱. عَیْن: مثل باغ، خانه، دام (گوسفند، گاو، مرغ و...)، پول نقد، طلا و...

۲. دَیْن: طلب، چک، سفته و...

۳. منفعت: منافع باغ، منفعت مغازه و...

۴. کار مباح: داماد به جای مهریه کار می کند؛ مانند ساختن خانه و دامداری (مثل حضرت موسی که برای حضرت شعیب دامداری نمود تا مهریه صفورا را بپردازد).

۵. آموزش: داماد، عروس را درس دهد، قرآن بیاموزد، هنری تعلیم دهد و...

در حدیث است که زنی می‌خواست عروس بشود، ولی داماد هیچ نداشت که مهریه او قرار دهد. پیامبرصلی الله علیه وآله به داماد فرمودند:

«آیا می‌توانی به عروس قرآن بیاموزی؟»

عرض کرد: «آری!»

فرمودند: «آموزش قرآن را مهریه عروس قرار بده!»

۶. حقوق مالی: مهریه‌ای را مشخص کنند و داماد ماهیانه مبلغی را بپردازد تا کلّ مهریه تمام شود.

## شیربها

در مورد شیربها سه حکم وجود دارد:

۱. داماد به میل خود برای جلب خاطر زن می‌پردازد؛ در این صورت گرفتن شیربها جایز است؛ ولی داماد می‌تواند تا آن مال (شیربها) مصرف نشده، پس بگیرد.

۲. داماد، بدون رضایت و برای رفع موانع ازدواج شیربها می‌پردازد و عروس به مهریه خود راضی است. در این صورت، برای والدین حرام است که مصرف کنند و داماد می‌تواند شیربها را طلب کند؛ اگر چه مصرف شده باشد.

۳. دادن و گرفتن شیربها به عنوان حق‌العملی باشد که در برابر آن انجام دهد؛ یعنی این که داماد شیربها بدهد که عروس دانشگاه برود یا فلان هنر را یاد بگیرد؛ در این صورت، دادن و گرفتن شیربها اشکالی ندارد.

مهریه در احادیث

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

«بهترین زنان امت من کسانی هستند که زیبارو بوده و مهریه‌شان کم‌تر باشد.»

همچنین آن حضرت‌صلی الله علیه وآله می‌فرمایند:

«مهریه‌های زنان را سنگین نگیرید؛ مهر و محبت بین زن و مرد را خدا فراهم می‌کند، نه مهریه‌های کمرشکن.»

امام رضاعلیه السلام فرمودند:

«هنگام ازدواج، تلاش کن مهریه از مهر السّنهٔ (۵۰۰ درهم) تجاوز نکند.»

حضرت علی‌علیه السلام فرمودند:

«مهریه زنان را سنگین نگیرید که باعث عداوت می‌شود.»

امام صادق‌علیه السلام می‌فرمایند:

«خداوند روز قیامت ممکن است تمام گناهان را ببخشد؛ ولی سه گناه را نمی‌بخشد که یکی از آن‌ها مهریه‌ای است که پرداخت نشده و در توان بوده که بپردازد.»

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:

«هر مردی که همسرش را آزار دهد تا مهرش را به او ببخشد و خودش را از دست مرد نجات دهد، خدا کیفری کم‌تر از جهنّم برای او در نظر نمی‌گیرد، و همان طوری که گریه یتیم، خداوند را به خشم می‌آورد، برای چنین زنی هم خداوند خشمگین می‌شود.»

## فصل دوازدهم

## هفتاد پیام ازدواج دو نور

ازدواج حضرت امیرعلیه السلام با بی‌بی دو عالم، صدّیقه طاهره‌علیها السلام برای همه انسان‌ها به خصوص مسلمانان و بالاخص ما شیعیان، بهترین تابلوی زیبای زندگی است.(۲۱)

## مرحله اول: منتظر فرمان الهی

حضرت رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله برای هر خواستگاری که می‌آمد، جمله‌ای را تکرار می‌نمودند و می‌فرمودند: «منتظر فرمان خدا هستم.»

حضرت علی‌علیه السلام در باغی مشغول کشاورزی بودند. «سعد بن معاذ» به حضرت علی‌علیه السلام عرص کرد: «یا علی! چرا برای خواستگاری فاطمه‌علیها السلام نمی‌روید؟»

حضرت فرمودند: «دستم خالی است!»

سعد عرض کرد: «هر چه هست، باید پا جلو بگذارید.»

سپس حضرت علی‌علیه السلام خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله رفتند و مطلب خواستگاری را مطرح نمودند.

پیام:

منتظر استطاعت کافی نمانید؛ مقدمات ازدواج را فراهم کنید؛ خداوند کمک می کند.

## مرحله دوم: نامزدی

حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله فرمودند: «ازدواج طرفینی است؛ باید نظر عروس خانم را جویا شوم.» پیامبرصلی الله علیه وآله نزد فاطمه‌علیها السلام آمدند و تمام مشخصات حضرت علی‌علیها السلام را بدین صورت بیان فرمودند: «یا زهرا! علی نزدیک‌ترین فرد به من است و او فضایل اخلاقی بسیاری دارد. علی دارای ایمان کاملی است و از خدا خواسته‌ام بهترین همسر برای تو انتخاب شود و آن همسر مناسب، علی است.»

سپس حضرت زهراعلیها السلام بله را با سه نشانه بیان فرمودند:

۱. سکوت کردند؛ ۲. روی از پیامبرصلی الله علیه وآله برنگرداندند و نگاهشان را به زیر انداختند (نشانه حیا)؛ ۳. پیشانی حضرت زهراعلیها السلام عرق کرد و رنگ گونه‌های مبارکشان تغییر نمود.

پیام:

والدین عروس باید در انتخاب داماد هماهنگی داشته باشند و از زاویه هدایت و کمک فکری و به عنوان یک مشاور در زندگی او وارد شوند؛ نه این که والدین، دخترشان را در شوهر کردن با فردی که خود می‌خواهند، اجبار کنند، و نه این که تمام اختیار را به دختر کم‌تجربه ناآشنا با حیله‌های اجتماع بدهند و او را در این مرحله بسیار حساس، تنها و بی‌یاور رها کنند؛ چرا که آنچه پیران در خشت خام می‌بینند، جوانان در آینه صاف نمی‌بینند.

## مرحله سوم: تعیین مهریه

حضرت فرمودند: «یا علی! بالاخره ازدواج نیاز به مسایل مادّی نیز دارد؛ از مال دنیا چه داری؟»

امام علی‌علیه السلام پاسخ دادند: «یا رسول اللَّه! یک شمشیر و یک شتر بارکش و یک زره دارم.»

حضرت فرمودند: «شمشیرت را برای دفاع از دین خدا بگذار و شترت را برای امرار معاش؛ ولی زره را بفروش.»

حضرت علی‌علیه السلام زره خود را که حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله در غزوه بدر به ایشان بخشیده بودند، در بازار قیمت نمودند، که چهارصد و هشتاد تا پانصد درهم قیمت گذاری شد.

حضرت، زره را به قیمت پانصد درهم فروختند و این پانصد درهم، مهریه حضرت زهراعلیها السلام شد. حضرت رسول‌صلی

الله علیه وآله برای تمام زنان خویش همین مهرالسنه را قرار دادند.

پیام:

۱. زره حافظ است، ازدواج هم حافظ است.

۲. مخارج عروسی باید مثل کفن انسان بی شبهه باشد.

۳. پیامبر اکرم بین دختر خود با دختران و زنان مردم تبعیض قایل نشدند و هر اندازه که برای دخترشان مهریه گرفتند، برای زنان خود نیز مهرالسنه قرار دادند.

## مرحله چهارم: خرید بازار

پول زره سه قسمت شد:

۱. خرید جهیزیه؛ ۲. خرید عطر؛ ۳. مقداری برای ولیمه شب عروسی به امانت به اُم‌سلمه سپرده شد. جهیزیه خریداری شده نیز در خانه اُم‌سلمه به امانت گذاشته شد.

مجموعه قیمت جهیزیه حضرت زهراعلیها السلام شصت و سه درهم بود.

ابوبکر، بلال، سلمان و عمار یاسر به بازار رفتند و جهیزیه حضرت زهراعلیها السلام را به شرح ذیل خریداری نمودند:

۱. دو دست رختخواب از پارچه مصری، یکی از برگ خرما و دیگری از پشم گوسفند؛

۲. فرشی از پوست؛

۳. بالشی از پشم و درونی از برگه خرما؛

۴. عبای خیبری؛

۵. مشک آب؛

۶. دو کوزه و دو ظرف کوچک و بزرگ؛

۷. آفتابه؛

۸. پرده‌ای پشمی، ولی از بافت نازک؛

۹. پیراهنی به قیمت نُه درهم؛

۱۰. روسری به ارزش چهار درهم؛

۱۱. حوله‌ای سیاه رنگ؛

۱۲. تختی پوشیده به رو تختی؛

۱۳. زیردستی از پشم طائف، پر شده با گیاهی به نام اَضْخَر؛

۱۴. یک حصیر بحرینی؛

۱۵. آسیای کوچک (دستاس)؛

۱۶. وسیله خضاب از جنس مس؛

۱۷. ظرفی برای شیر؛

۱۸. ظرفی بزرگ برای آب.

هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وآله دعوت شدند تا جهیزیه را ببینند؛ حضرت به جهیزیه نگاهی کردند و فرمودند:

«خـدایا! به اهل این خانه برکت عنایت کن»؛ آن گاه دست‌هایشان را بلند کردند و فرمودند: «پروردگارا! برکت ده به قومی که بیش‌تر ظرف‌هایشان از گِل است. (ساده زندگی می کنند).»

پیام:

۱. تقسیم‌بندی پول حلال داماد برای سه کار: ۱. جهیزیه؛ ۲. عطر؛ ۳. ولیمه.

۲. مردان باید برای خرید جهیزیه به بازار بروند، نه این که تمام اختیار را به زنان بدهند.

۳. جهیزیه باید ساده و با کم‌ترین قیمت خریداری شود.

۴. پدر عروس باید بر کلیه امور ازدواج نظارت داشته باشد.

۵. با دعا، به جهیزیه برکت داده می‌شود، نه با اجناس قیمتی و تزئینی و غیر ضروری.

## مرحله پنجم: خواندن عقد

اوّل در آسـمان، عقد حضـرت علی‌علیه السـلام و حضرت زهراعلیها السلام خوانده شد و ملکی به نام «راصیل» (یکی از خوش بیان‌ترین ملائکه عرش) در محضر حضرت پروردگار و فرشتگان الهی سخنرانی نمود و از فضایل عروس و داماد سخن گفت.

پیام:

۱. عروس و داماد باید فضایل و خصایل اخلاقی و عملی داشته باشند، تا مدیحه سرایان بتوانند از آن‌ها تعریف و تمجید کنند و متوسل به دروغ‌پردازی برای خوشایند دو خانواده عروس و داماد نگردند.

۲. عروس و داماد و همه اقوام آن دو باید بدانند که ناظر عقد و عروسی آن‌ها حضرت پروردگار و فرشتگان او هستند؛ پس در محضر خدا گناه نکنند.

۳. مکان عقد و عروسی باید از گناه منزه باشد، تا فرشتگان الهی در آن وارد و حاضر شوند.

بنابر این، محل اجرای مراسم باید به دور از تشـریفات اضافی و خرج‌های بی‌مورد و اسراف و دوری از اختلاط محرم و نامحرم و وسایل غنا و استفاده از آن باشد.

۴. افراد ناظر و حاضر در مجلس عقد، باید پاک و متدین باشند و مجلس و اجرای برنامه‌ها به دست متدینین برگزار گردد.

۵. در مجلس عقـد و عروسـی، بایـد یـک سـخنران خـوش بیـان، خـوش صـدا، فاضـل، شـوخ مزاج، بـا مطرح کردن بهـترین و اخلاقی‌ترین موضوعات زندگی، همراه با مزاح‌های صـحیح شـرعی و عرفی، همه را به وجد آورد، تا مجلس با لهو و لعب طی نشود و بهانه‌ای باشد تا همه حاضران، مطالب مفیدی فرا گیرند.

۶. زمـان عقـد و عروسـی به گونه‌ای انتخـاب شود که مـدّاحان اهـل بیت‌علیهم السـلام با برگزاری برنامه‌های مـدیحه سـرایی و خواندن اشعار زیبای مناسب آن روز، همراه با شادی، حاضران را خرسند نمایند.

به شدت بپرهیزیم از این که مجلس را به دست مطرب‌ها و ترانه‌خوان‌ها یا به تعبیر امروزی‌ها «هنرمندان»!!! بسپاریم.

۷. مراسم خواندن خطبه عقد، باید در مکان و محلی بسیار پاک و مقدس، با افرادی پاک و با طهارت برگزار شود.

۸. عروس و داماد وضو داشـته باشـند و «توکّلت علی اللَّه» و «اَعوذُ بااللَّه مِن الشّیطانِ الرّجیم» بگویند و در حال قرائت و تلاوت قرآن و ذکر، در مجلس حاضر شوند، تا ان شاء اللَّه صیغه عقد و گره دو دل زوج و زوجه، با پاک‌ترین حالات بسته شود.

۹. حتی الامکان سـعی کنیـد که اجرای صـیغه عقـد، توسط یک روحانی فاضل از فرزنـدان حضـرت زهراعلیها السـلام خوانده شود.

۱۰. افراد نااهل از زمان اجرای صیغه عقد، مطّلع نشوند.
می‌توانید اجرای صیغه عقد را با مجلس جشن عقد فاصله بیندازید، تا فامیل و دوستان از این که در مراسم عقد حضور نداشته‌اند، ناراحت نشوند و عاقدی را دعوت کنید، تا مجدداً صیغه عقد را بخواند (به نیت استحباب).

## مرحله ششم: آماده کردن حجله

حضرت علی‌علیه السلام خانه نداشتند. جناب حارثهٔ بن نُعمان از پیامبرصلی الله علیه وآله خواهش کرد که علی‌علیه السلام مستأجر ایشان شود.
یک اتاق ناهمواری بود. شن آوردند و کف اتاق ریختند و آن را هموار ساختند. سپس پوست را پهن کردند و آنگاه چوبی برای نصب مشک آب گذاشتند و کوزه را کنار مشک نهادند.
همچنین پرده را با چوبی نصب کردند و حجله آماده شد. البته چند ماه بین عقد و عروسی فاصله افتاد.
پیام:
۱. حتماً نباید داماد قبل از عروسی خانه داشته باشد. (پرهیز از اشکال تراشی‌های بی مورد)
۲. افراد خیّر، برای تهیه مسکن داماد و عروس کمک کنند.
۳. مستأجری خجالت ندارد.
۴. عروس باید موقعیّت داماد را درک کند و با او بسازد.
۵. آماده سازی حجله برای آسایش بهتر است، نه این که با تزیینات اضافی و هزینه‌دار و اسراف، آسایش فکری خودشان را مخدوش نمایند.
۶. فاصله بین عقد و عروسی تا چند ماه شیرین است؛ ولی نباید خیلی به طول انجامد.
۷. انتخاب مکان باید بسیار حساب شده باشد، تا ناموس انسان بتواند به راحتی زندگی کند؛ پس در هر جایی و هر خانه‌ای نمی‌توان مستأجر بود. (توجّه کن صاحب خانه کیست؟)
۸. با دقّت به سیره امامان بنگرید؛ ببینید یک اتاق مجزّا را آماده کردند، نه یک دستگاه خانه بزرگ را (البته آن کسانی که می‌توانند از راه مشروع یک خانه مجزّا اجاره کنند، لزومی ندارد به خانواده‌شان سختی روا دارند و آن‌ها را در اتاقی زندانی کنند).
تمام جهیزیه حضرت زهراعلیها السلام برای زندگی کردن در همان اتاق چیده شد.
۹. زندگی باید از اول با سادگی و بدون تشریفات شروع گردد، تا با صرفه‌جویی و قناعت، دچار مشکلات مادّی نشود.
۱۰. قرض کردن برای اسراف و به آب و آتش زدن برای مسابقه دادن و بالاـ گرفتن سطح مجلس عقد و عروسی و انتخاب یک منزل استیجاری با رهن و اجاره سنگین، مسلّماً کمر زندگی را خواهد شکست و داماد مجبور خواهد شد که برای ادامه زندگی تجمّلی و توقعات کمرشکن خود، به چند شغلی بودن پناه ببرد و خدای ناکرده برای تأمین هزینه زندگی، به اعمال خلاف شرع و قانون، معاملات نامشروع، خوردن قسم‌های دروغ کفّاره‌دار و هزار حُقّه و نیرنگ دست بزند و آخرالامر کار به زندان و یا جدایی کشیده شود.
۱۱. زندگی ساده و بی‌آلایش؛ خالی از کبر، حسد، خودنمایی و... بوده و شیرین‌تر خواهد بود.
۱۲. داماد سعی کند از راه حلال و مشروع، با بالا بردن سعی و تلاش خود، هر چه زودتر به استقلال مکانی برسد.

## مرحله هفتم: مراسم عقد در مسجد

عقد را پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله در مسجد خواندند.

پیام:

۱. مسجد، مکانی بسیار مقدّس است و لذا عالی‌ترین و مقدس‌ترین مسایل زندگی را باید از مسجد شروع کرد.

۲. چرا از مساجد فقط برای عزا و غم‌ها و ناراحتی‌هایمان استفاده می‌کنیم؟ بیاییم مراسم شادی را نیز در مساجد برگزار نماییم.

۳. اگر مجلس عقد را در مسجد بگیریم، تمام شؤون اسلامی را نیز رعایت خواهیم کرد.

۴. چون از مسجد و برنامه‌های دینی فاصله گرفته‌ایم، دچار مشکلات اخلاقی شده‌ایم.

## مرحله هشتم: بردن عروس به خانه داماد

مرکبی به رنگ سیاه و سفید آماده کردند و به دستور رسول خداصلی الله علیه وآله پارچه‌ای ریشه دار روی مرکب پهن نمودند.

زنان انصار و مهاجر، دور مرکب را گرفتند و مردان با صلوات، عروس را با فاصله همراهی کردند.

دهنه مرکب را به سلمان دادند و سر شب، عروس را به خانه داماد بردند.

پیام:

۱. بهتر است که ماشین عروس تزیین ساده‌ای داشته باشد، امّا در تزیین ماشین عروس، نباید اسراف کرد.

۲. اگر ماشین عروس کرایه‌ای یا قرضی است، در قسمت جایگاه عروس، پارچه‌ای روی صندلی ماشین بیندازند تا عروس روی پارچه مخصوص بنشیند، و دمای بدن عروس به پارچه برسد نه به صندلی. دستور اسلامی است که: نشستن بلافاصله به جای زن، کراهت دارد.

۳. زنان باید اطراف عروس را بگیرند، تا چشم نامحرمان به عروس نیفتد.

۴. حجاب عروس باید کامل باشد و بر سر تا قامت عروس چادری سفید (معروف به چادر بخت) بیندازند، تا کاملاً از نگاه‌های نامحرمان محفوظ بماند.

۵. اگر داماد راننده نیست، در صورت امکان راننده از محارم عروس انتخاب شود و اگر از محارم نبود، آینه ماشین طوری تنظیم گردد که چهره و اندام عروس به هیچ وجه برای راننده قابل مشاهده نباشد.

۶. عروس را در تاریکی شب به منزل داماد ببرید، تا تاریکی شب، حجابی دیگر برای عروس باشد.

۷. سر شب، عروس را به منزل داماد ببرید، تا به دلیل شلوغی و ازدحام دعوت شدگان، مزاحمتی برای خواب و استراحت مردم ایجاد نشود.

۸. مردان باید از زنان و عروس فاصله بگیرند، تا از اختلاط محرم و نامحرم جلوگیری شود.

۹. زنان به طوری شادی کنند که نامحرمان تشخیص ندهند چه کسی شعر می‌خواند یا مجلس گرم‌کن است.

۱۰. مردان باید با ذکر صلوات، عروس و داماد را مشایعت کنند.

## مرحله نهم: ولیمه عروسی

پیامبرصلی الله علیه وآله به اُم سلمه فرمودند: «۱۳ پول زره فروخته شده حضرت علی‌علیه السلام را که به امانت در ن.......بود، آماده کن، تا غذایی به عنوان ولیمه برای دعوت شدگان تهیه نماییم.» همچنین فرمودند: «اُم سلمه! ولیمه حلال کم نمی‌آید.»

پیام:

۱. شب عروسی، ولیمه بدهید.

۲. پول تهیه ولیمه باید حلال باشد.

۳. سر شب، دعوت شدگان را شام بدهید، تا مجلس به طول نینجامد.

۴. اگر ولیمه از پول حلال تهیه شود، هرگز کم نمی‌آید.

۵. یک نفر را مأمور کنیم که در میان فقرای مراجعه کننده و تهیدستان اطراف خانه داماد و عروس، به طور کاملاً مخفیانه و آبرومندانه غذا تقسیم نماید.

۶. اگر خواستید گوسفندی را در مقابل عروس و داماد قربانی کنید، قبل از تاریک شدن ذبح نماید.

۷. گوسفند را در جایی ذبح کنید که خون آن، اطراف را آلوده نکند تا با رفت آمد مردم، محیط به نجاست آلوده نگردد.

## مرحله دهم: غذای عروس و داماد در حجله

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله به مدخل خانه حضرت علی‌علیه السلام آمدند؛ ظرفی غذا برای عروس و داماد آماده کرده بودند و فرمودند:

«این شام برای عروس و داماد است؛ در حجله بگذارید.»

حضرت رو کردند به عروس و داماد و فرمودند:

«یا علی! این فاطمه است و امانت من نزد توست. یاعلی! او بهترین همسر برای توست. یا علی! فاطمه امانت خدا نزد توست.»

سپس به عروس رو کردند و فرمودند:

«زهرا جان! این علی است. او بهترین شوهر برای توست. اگر علی نبود، همتایی برای تو پیدا نمی‌شد.»

پیام:

۱. به فکر غذای عروس و داماد نیز باشید.

۲. عروس و داماد با همدیگر و بدون حضور کسی، در حجله غذا میل کنند.

۳. از ایجاد فاصله بین زن و شوهر در آغاز زندگی مشترک بپرهیزید.

۴. بزرگی از طایفه عروس، سفارش داماد را به عروس (اگر پدر عروس باشد، بهتر است) سفارش داماد را به عروس بکند.

۵. بزرگی از طایفه داماد (اگر پدر داماد باشد، بهتر است) سفارش عروس را به داماد بکند.

۶. عروس باید مطیع شوهر و شوهر باید خدمتگزار عروس باشد.

۷. داماد باید بداند که همسرش امانت از طرف خداوند و والدین عروس است.

۸. عروس باید بداند در کنار شوهرش خوشبخت خواهد بود.

## مرحله یازدهم: آغاز زندگی با تکبیر

حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله ظرف آبی خواستند، آن را تبرّک کردند و بین دو کتف حضرت زهراعلیها السلام ریختند. مجدداً آبی خواستند، تبرّک کردند و بین دو کتف حضرت علی‌علیه السلام ریختند. سپس پیشانی آن دو بزرگوار را به هم گذاشتند و فرمودند: «زنان تکبیر بگویند» و این اولین تماس عروس و داماد بود.

پیام:

۱. در حجله عروس و داماد، نباید نامحرم وارد شود.

۲. اولین تماس عروس و داماد، توسط پدر عروس یا پدر داماد، در حجله و از ناحیه صورت آغاز شود.

۳. آغاز تماس فیزیکی عروس و داماد، از ناحیه پیشانی یعنی سجده‌گاه آنان باشد.

پیشانی و سر، مرکز اندیشه و تفکّر است؛ با این عمل، پیامبرصلی الله علیه وآله شاید می‌خواستند بفرمایند: زن و مرد باید با یکدیگر همفکر باشند.

۴. به هم زدن پیشانی عروس و داماد؛ یعنی شما دو نفر فقط از سر با همدیگر جدا هستید، نه از دل.

۵. اگر وحدت اندیشه بین عروس و داماد حاکم باشد، وحدت قلبی نیز به وجود می‌آید.

۶. عروس وقتی به خانه شوهر می‌رود، باید اول به فکر شوهر باشد، بعد در اندیشه دیگران.

۷. هر عمل صحیحی را با تکبیر تأیید کنید.

### مرحله دوازدهم: تنها گذاشتن زن و شوهر

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «همه زنان، حجره حضرت زهراعلیها السلام را ترک کنند.»

همه با حضرت زهراعلیها السلام خداحافظی کردند و رفتند؛ ولی اسماء بنت عُمیس در حجره ماند. وقتی سؤال شد: «چرا حجره را ترک نمی‌کنی؟»

عرض کرد: «من زمان رحلت حضرت خدیجه‌علیها السلام حاضر بودم و به او قول دادم در شب زفاف فاطمه‌علیها السلام‌به جای او مادری کنم.»

حضرت، تا نام خدیجه را شنیدند، گریستند و فرمودند: «چه خوب است زن، وفا داشته باشد. اسماء! امیدوارم خدا حوایج تو را در دنیا و آخرت برآورده کند.»

پیام:

۱. باید عروس را زود تنها گذاشت و حجله را خلوت کرد.

۲. شدت علاقه مرد به همسر خویش، باید به حدی باشد که پس از فوت او نیز با شنیدن نام همسر مرحومش، با گریه از او یاد کند.

۳. دعا به کسی که آدمی را به یاد همسرش می‌اندازد.

## فصل سیزدهم ورود به زندگی

### آداب ورود

در معاشرت‌ها و اخلاق اسلامی، برای کسانی که تازه به جایی وارد می‌شوند، آدابی ذکر کرده‌اند. تازه وارد باید با تغییراتی

در وضع ظاهری و باطنی به استقبال برود. برای مثال، چند مورد بیان می‌شود.

ورود جبرئیل بر پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله

جبرئیل هر وقت بر پیامبر وارد می‌شد، مجبور بود مُمَثَّل شود و لذا مانند یک جوان هیجده ساله می‌شد به نام «دُهْیِه کَلْبی» و وحی را تقدیم می‌کرد.

ورود به حرم و مسجد الحرام در عُمره مفرده

اگر کسی بخواهد از مدینه وارد مکه شود، باید (از مسجد شجره) مُحرم گردد، لباس دنیایی را بکند، نیّت کند، وضو بگیرد، غسل احرام کند، لباس احرام بپوشد، لبیک بگوید و دو رکعت نماز تحیّت بخواند.

ورود به حرم ائمه اطهارعلیهم السلام

غسل کند، آهسته قدم بردارد، لباس تمیز بپوشد، با حالت تواضع و ندبه وارد شود، در صحن اذن دخول بگیرد، نماز تحیّت بخواند، در قسمت پایین پا و بالای سر و رو به قبله و... در حالت‌های گوناگون به ذکر دعا و زیارت و سلام و استغفار بپردازد.

ورود به مجلس عروسی

با لباس شاد و سنگین، همراه با وقار و ظاهری آراسته و لبخندی بر لب وارد شویم.

ورود به مجلس عزا

با لباس مشکی، چهره‌ای غم آلود و با بیانی آکنده از غم و اظهار تأسف و تأثر وارد شویم.

## نوع ورود به زندگی

عروس و داماد در آغاز باید تکلیف خودشان را معلوم کنند که:

«می‌خواهند زناشویی کنند یا همسرداری؟»

عروس خانم باید از همان ابتدا بداند می‌خواهد همسر بشود برای وقار و آرامش شوهر، یا زن بشود برای اشباع شهوت؟

داماد نیز از همان ابتدا باید بداند می‌خواهد همسر بشود برای قوام و تکیه‌گاه زن، یا زناشویی کند برای اشباع شهوت؟

دیگر آن که دو زوج خوشبخت، در لحظه‌های آغازین زندگی، باید نوع آن را مشخص کنند؛ چرا که تلاش برای مادیات در زندگی بر سه محور می‌چرخد:

۱. ضروری: اسلام تأکید کرده است.

۲. رفاهی: اسلام تأیید کرده است.

۳. تجمّلی: اسلام تحریم کرده است.

برای زندگی سالم، باید تلاش کرد. رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده‌اند:

«اَلْکادُّ عَلی عَیالِه کَالْمُجاهِدِ فی سَبیلِ اللّهِ»

کار کردن برای امرار معاش، مانند جهاد در راه خداست.

باید انسان مانند خودش زندگی کند، نه مثل دیگران. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«لِیُنْفِقْ ذوُ سَعَةٍ مِنْ سَعَتِه وَ مَنْ قُدِرَ عَلَیهِ رِزْقُهُ فَلْیُنْفِقْ مِمّا اتیهُ اللّهُ لایُکَلِّفُ اللّهُ نَفْساً اِلاَّ ما اتیها سَیَجعَلُ اللّهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرا»(۲۲)

انفاق کند مرد دارا به زن نفقه‌دارش و آن مردی که بضاعت و تنگ معیشت است، آنچه خدا به او داده، انفاق کند، که خدا هیچ کس را جز آنچه توانایی داده، تکلیف نمی‌کند و خداوند به زودی بعد از هر سختی، آسانی قرار دهد.

پس شوهر، باید با کار و تلاش و بر اساس توان خویش، برای رفع موانع معیشتی زندگی بکوشد.

## اقسام روزی

۱. مقسوم: برای زندگی ضروری؛
۲. مطلوب: برای زندگی رفاهی؛
۳. مسروق: برای زندگی تجملی.

جوان اگر بتواند با کار و تلاش خود، به رزق «مقسوم» برسد، باید ازدواج کند؛ ولی اگر نان خور پدرش می‌باشد، نباید زن بگیرد؛ بلکه باید «استعفاف» کند.

هنر مرد در نفقه دادن است؛ یعنی به دست آوردن رزق «مطلوب»، با کار و تلاش.

زندگی تجمّلی، رزق «مسروق» (دزدی) می‌طلبد؛ از آن بپرهیزیم.

قرآن می‌فرماید:

«وَ اِذا اَرَدنا اَنْ نُهْلِکَ الْقَرْیَةَ اَمَرْنا مُطْرَفیها فَفَسَقُوا فیها فَحَقَّ عَلَیْهِ الْقَوْلُ فَدَمَّرْنا تَدْمیرا»(۲۳)

وقتی می‌خواهیم قریه‌ای را به هلاکت رسانیم، دستور می‌دهیم به تجمّل‌پرست‌ها و خوش گذران‌ها فسق ورزند (فاسق کسی است که احکام اسلام را قبول دارد، ولی عمل نمی‌کند). عذاب بر آن‌ها وارد شده و چنان دگرگونی در آنان ایجاد می‌شود که همه به هلاکت می‌رسند.

نتیجه بحث این می‌شود که:

از دیدگاه اسلام، دامنه مادیات در زندگی، در حد ضرورت است؛ البته آیین اسلام برای رسیدن به زندگی رفاهی تشویق می‌کند؛ ولی زندگی تجمّلی را که رسیدن به آن، به دزدی، اختلاط حرام و حلال، معاملات ربوی، و بی‌انصافی نیاز دارد، نهی و تحریم می‌نماید.

پس:

جوانانی که نمی‌توانند با تلاش و کوشش خود، به مقام نفقه دادن برسند، باید همواره آیه شریفه ۳۳ از سوره مبارکه نور را فراموش نکنند:

«وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لایَجِدوُنَ نِکاحاً حتّی یُغْنیهُمُ اللَّهُ مِنْ فضْلِه»

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند، تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

## تدارک آسایش در زندگی

زندگی را دو گونه می‌توان انتخاب کرد:

۱. زندگی مرده: در زندگی مُرده، فقط و فقط به مادّیات توجه شده و به معنویات پرداخته نمی‌شود.
۲. زندگی زنده: به ایجاد آسایش (مسایل مادّی) توأم با احیای آرامش (مسایل معنوی) پرداخته می‌شود.

امام سجادعلیه السلام آسایش را در پنج چیز می‌دانند:

۱. صحت بدن؛ ۲. وسعت رزق؛ ۳. منزل وسیع؛ ۴. انیس موافق؛ ۵. آسایش.(۲۴)

## صحت بدن

اگر میل داری به آسایش برسی، باید مواظب تندرستی بدن خود باشی؛ پس ورزش کن و از پُرخوری پرهیز نما. باید از هر کاری که صحت بدنت را تهدید می‌کند، بپرهیزی؛ مانند: اعتیاد و شهوت‌رانی، و خلاصه تمام آنچه پروردگار عالم حرام کرده، صحت بدن را تهدید می‌نماید.

مثلاً در ارضای غریزه شهوت، تمام جوانان باید بدانند که احتلام، شکل طبیعی دارد، امّا استمناء، صحت بدن را تهدید می‌کند.

## وسعت رزق و منزل وسیع

اگر خودت را رزّاق می‌دانی، مطمئن باش این روزی به درد خانواده‌ات نمی‌خورد.

اطمینان داشته باش رباخواری، اختلاط حلال و حرام، ولخرجی، چشم و هم چشمی، بلند پروازی، بی‌نظمی، کم کاری، و... زندگیت را تهدید می‌کند.

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند: در معاملات به چند چیز دقّت کن.

۱. قسم نخور؛ ۲. ربا نخور؛ ۳. عیب جنس را کتمان نکن؛ ۴. از جنست بی جهت تعریف نکن؛ ۵. دروغ نگو.

تجّار قدیم سفارش می‌کردند که:

سرمایه‌ات را به سه بخش تقسیم کن: ۱. جنس؛ ۲. پول؛ ۳. طلب.

اگر جنست را دزد بُرد، پول و طلب داری؛ اگر پول را گُم کردی؛ جنس و طلب داری؛ اگر طلبت را ندادند، پول و جنس داری؛ پس در هر حال، ورشکست نخواهی شد.

محور اقتصاد:

«قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.»

پس‌انداز محور اقتصاد(حساب جاری)

قناعت صندوقچه اقتصاد(بانک)

صبر دفترچه پس‌انداز(چک)

فکر مُهر و امضا(امضا)

به چیزی که تو را تحریک می‌کند و زیربنای اقتصادت را از بین می‌برد، توجه نکن. بلند پروازی نکن، در انتخاب ابزار سعی کن، آینده‌نگر باش و شیک پوشی را برای زندگی مطلوب بگذار.

## انیس موافق

از امام سجادعلیه السلام سؤال شد که انیس موافق کیست؟

آن حضرت فرمودند:

۱. زن صالحه و مؤمنه؛ ۲. فرزند صالح و مؤمن؛ ۳. همنشین صالح و مؤمن.

## آسایش

اگر به چهار صفت صحت بدن، وسعت رزق، منزل وسیع و انیس موافق دست یابیم، به آسایش خواهیم رسید.
یکی از ثروتمندان مریض احوال می‌گفت:
«تعدادی کارگر دیدم که در یک کاسه بزرگ، نان خشک ریخته بودند و با مقداری آب دوغ مخلوط کرده، می‌خوردند. حاضرم بودم تمام دارایی خودم را بدهم، ولی این آسایش و صفا و سلامتی آنان را بگیرم.»
برخورداری از آسایش در سایه عمل به آیات و روایات
قرآن می‌فرماید:
«اَلَّذینَ یَتَّبِعوُنَ الرّسولَ النَّبِیَ الْاُمِیّ الَّذی یَجِدونَهُ مَکْتوُباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوریهِٔ وَ الْاِنْجیلِ یَأمُرُهُمْ بِا الْمَعروُفِ وَ یَنْهیهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحرِّمُ عَلَیهِمُ الْخَبائِثَ وَ یَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَ الْاَغْلالَ الَّتی کانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذینَ امَنوُا بِه وَ عَزَّروُهُ وَ نَصَروُهُ وَ اتَّبَعوُا النُّورَ الَّذی اُنْزِلَ مَعَهُ اوُلئِکَ هُمُ الْمُفْلِحوُن»(۲۵)
آنان که پیروی کنند از پیامبر اُمّی که در تورات و انجیل که در دست آن‌ها است (نام و نشانی اوصافش را) نگاشته می‌یابند، که آن رسول، آن‌ها را به نیکویی و نهی از زشتی امر می‌کند و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلیدی را حرام می‌گرداند و احکام پُر رنج و مشقتی را که از جهل و نادانی چون زنجیر برگردن خود نهاده‌اند، همه را بر می‌دارد؛ پس آنان که به او گرویدند و حرمت و عزت او را نگه داشتند و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده (یعنی به قرآنی که روشنگر دل‌های تاریک است)، پیروی کردند، آنان رستگاران عالَمند.
اثم: آنچه نتیجه‌اش فشار روحی می‌شود.
اغلال: خرافات و تعصّبات بی‌جایی که پایبند انسان است.
نمونه: من چرا این طور؟ او چرا آن طور؟
بنده خدا! بوته گیلاس باید در کرج آب بخورد و بوته پسته در رفسنجان!
شهید دستغیب(رحمهٔاللّه) می‌فرماید:
«اصرار داشته باشید، مثل خودتان زندگی کنید، تا در حریم اثم قرار نگیرید.»

## هشدارها

مگر مجبور هستی دخترت را به دامادی بدهی که در تهیه جهیزیه آنچنانی بمانی؟!!
مگر واجب است که دختر از کسی بگیری که مجبور شوی منزل آن‌چنانی تهیه کنی؟!!
چرا روشنفکری غربی را در زندگی‌هایمان وارد کنیم؟!!
دخترم! چرا در زندگی‌ات حیا می‌کنی و حرف نمی‌زنی؟ نترس؛ حرفت را بزن، نظرت را بگو!
دخترم! اگر در آغاز ازدواج حرف نزنی، چند سال بعد با چند بچه باید در دادگاه از خودت دفاع کنی!
اوّلین گام برای تدارک آسایش، از بین بردن اِثْم و اغلال است.
دومین گام برای تدارک آسایش، نیّت خیر در ازدواج داشتن است.
بعضی‌ها، دختر فقیر گرفتند و خدا وسعت رزق به آن‌ها داد؛ ولی گروهی دختر ثروتمند گرفتند، برای این که به مال برسند، بعد از مُردن پدر زن، با آبروریزی تمام از همسرشان نیز جدا شدند.

### هر کسی نان نیّتش را می‌خورد

شهید بزرگوار، حضرت آیت اللّه دستغیب، در حوزه علمیه شیراز سؤالی را به مسابقه گذاشته بودند:

«سنگین‌ترین، وزین‌ترین و مهم‌ترین چیزی که خدا خلق کرده است، چیست؟»

هر کس چیزی گفت؛ ولی وقتی از خود استاد سؤال کردند که جوابش چیست؟ فرمود: «نیّت خیر» است.

معروف است که: «هر کس نانِ نیّتش را می‌خورد.»

متأسفانه نیّت بعضی از جوانان در امر ازدواج این گونه است:

دختری می‌خواهم با مدرک بالا؛

پدرش میلیاردر باشد؛

چند مغازه، ماشین و خانه هم به دنبال جهیزیه‌اش باشد و...

شاید هم چنین دختری را بیابی که همه چیز داشته باشد، ولی مطمئن باش یک چیز به دنبال او نیست و آن آسایش است.

پس جوانان گرامی!

اسیر پول و مادیات نشوید که روزی این پول، مَمرّ زندگی شما را دَمَر می‌کند.

اگر به دلیل فقر دختر، با او ازدواج نکردی، به خداوند بدگمان هستی.

و اگر برای ثروت دختر، با او ازدواج کردی، به آن هم نمی‌رسی.

## فصل چهاردهم زن و زیبایی

### مقایسه زن یاقوتی با زن طاغوتی

۱. زن مسلمان - که بیش از یاقوتی گرانبها می‌ارزد - برخوردار از آزادی انسانی و معنوی است ودر مسیر مسایل معنوی حرکت می‌کند؛ ولی زن طاغوتی در پی آزادی حیوانی است و در مسیر شهوات و خودنمایی حرکت می‌نماید.

۲. زن مسلمان، با حجاب و با حیا و فداکار برای حفظ خصایص اخلاقی است، ولی زن طاغوتی، بی‌حجاب، بی‌حیا، بی‌حریم و بی‌قید، دارای عشقی زودگذر و خودبین است.

۳. زندگی زن مسلمان بر اساس پیوند شرعی و آمیخته با مهر و محبت است؛ ولی زندگی زن طاغوتی، دارای بنایی متزلزل و بر احساسات و مادّیات استوار است.

۴. آرایش زن مسلمان، در منزل و فقط برای شوهر اوست؛ ولی آرایش زن طاغوتی، در غیر منزل و برای همگان است.

۵. زن مسلمان همچون مرواریدی در صدف (کَاَنَّهُمْ لُؤلُؤٌ مَکْنُون) و صندوقی رمزدار است؛ ولی زن طاغوتی، همچون جواهرات بَدَلی و بدون پوشش در کنار خیابان‌ها (روی گلیم) به فروش می‌رسد.

۶. زن مسلمان، همه عشق خود را تقدیم به شوهرش می‌کند؛ اما زن طاغوتی، آخرین عشق خود را - آن هم به طور کاذب - تقدیم همسر خود می‌نماید.

۷. زن مسلمان؛ برای خود، همسر و خانواده‌اش آشپزی، خیاطی و کارهای هنری انجام می‌دهد؛ اما زن طاغوتی برای خودنمایی کارهای هنری می‌کند.

۸. زن مسلمان با ابتکار و اعتدال، در امور اقتصادی صرفه‌جویی می‌کند؛ ولی زن طاغوتی، با اسراف و تبذیر در امور مالی،

اقتصاد خانواده را متزلزل می‌نماید.

۹. بچه‌های زن مسلمان، در آغوش پاک مادر تربیت می‌شوند؛ ولی تربیت بچه‌های زن طاغوتی باری به هر جهت است.

۱۰. زن مسلمان با هنر شوهرداری و کدبانویی و تأمین آرامش خانواده، نیروی شوهرش را برای کارهای اجتماعی چند برابر می‌کند؛ ولی زن طاغوتی مجال و فرصتی برای این کار ندارد و همیشه بیرون از منزل مشغول خودنمایی در کوچه و خیابان‌هاست و نشاط اندکش را بین دیگران تقسیم می‌کند.

## تعدیل در آرایش و پیرایش

زیبایی دو نوع است:

۱. ظاهر: خَلقیات؛

۲. باطن: خُلقیات.

حضرت امیر المؤمنین علی‌علیه السلام فرموده‌اند:

«حُسْنُ الْخَلْقِ لِلْبَدَن وَ حُسْنُ الْخُلقِ لِلنَّفْسِ»

زیبایی ظاهر برای بدن، و زیبایی صفات برای وجود است.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که:

اسلام، زیبایی درونی را تأیید می‌کند یا زیبایی ظاهری را؟

پاسخ این است که هر دو نوع زیبایی را تأیید می‌کند، اما زیبایی درونی را ترجیح می‌دهد.

هنر زندگی بر دو محور می‌چرخد:

۱. شناخت زیبایی‌ها؛

۲. آفرینش زیبایی‌ها (خودآرایی).

آرایش: اضافه نمودن به خود برای زیبا شدن.

پیرایش: کم کردن از خود برای زیبا شدن.

در آرایش و پیرایش، باید از افراط و تفریط دوری کرد؛ مثل ادویه در غذا که اگر افراط شود و تمام ادویه قوطی داخل غذا ریخته شود، قابل خوردن نخواهد بود. همچنین صورت - که با یک خال زیباست - اگر پر از خال شود، زیبا نخواهد بود.

شهید دستغیب(رحمه اللّه) می‌فرمود:

«تعدیل آرایش و پیرایش، قوه تشخیص می‌خواهد.»

به پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله عرض شد: «شما زیباترید یا یوسف؟»

فرمودند:

«اَنَا اَمْلَحُ مِنْه»

من نمکین‌تر از او هستم.

زن باید به شیطان بگوید:

## خودآرایی

حضرت زهراعلیها السلام می‌فرمایند:

«دو رکعت نماز با آرایش و به انتظار شوهر نشستن، هفتاد برابر می گردد.»

شهید دستغیب می‌فرمود:

«زن بایـد در آغاز ورود شوهر به خانه، آرایش کرده، از او اسـتقبال کنـد؛ چون اگر بخواهـد آشپزی کند، لباس بشوید و جارو کند، خسته می‌شود و شاید از آن صرف‌نظر نماید و لذا وقتی شوهرش می‌آید، چهره خسته‌اش را می‌بیند. شوهر در بدو ورود به خانه، اوّل به چهره زن نگاه می‌کند، بعد به خانه، آشپزی، لباس‌ها و...»

غم برای زن، سوهان روح است و بسیار خطرناك.

خود آرایی زن دو گونه است:

در جهت مطلوب: خود را فقط به شوهر عرضه کند.

«وَ الَّذینَ لِفُروجِهِم حافِظُونَ الاَّ عَلی اَزْواجِهِمْ اَوْ ما مَلَکَتْ اَیمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیرُ مَلُومینَ»(۲۶)

در جهت غیر مطلوب: خودش را برای غیر شوهرش زینت کند.

خودآرایی غیر مطلوب، سبب از بین رفتن امنیت زن در جامعه می‌شود و او را در معرض دستبرد متجاوزان قرار می‌دهد.

## عناصر جمال

عواملی که باعث ایجاد زیبایی در منزل می‌شود(۲۷)، عبارتند از:

۱. دقّت

زن و مرد باید دقت کنند که هیچ چیز و هیچ کس، آرامش و آسایش و صمیمیت آنان را بر هم نزنند.

خواهرم! گاهی یك زن به عنوان مهمانی، به منزل می‌آید و کم‌کم دل شوهرت را می‌دزدد و شوهرت را از تو می گیرد؛ یا اگر شوهرت معلم و استاد است، به بهانه درس دادن به دختری، کم‌کم جذب او می‌شود و زندگی تو را خراب می کند.

۲. هماهنگی در گفتار و رفتار

اگر همـاهنگی بیـن زن و مرد نباشـد، فرزنـدان آنـان فاقـد تربیت اسـلامی خواهنـد شـد. در چنین فضـایی، همیشه خشـونت در زندگی حاکم است.

شهید دستغیب می‌فرمود:

«یکی از دکمه‌های پیراهنتان را جا به جا ببندیـد، آن وقت می‌بینیـد که پیراهن به تن شـما چقـدر زشت است. اگر پـدر و مادر، توازن و همـاهنگی نداشـته باشـند، فرزنـد آنان یا مادری می‌شود یا پـدری! در این صورت است که جاسوس و خبرچین تربیت می‌شود.»

مثال: توازن جاذبه زمین و نیروی گریز از مرکز، آسایش را برای ما به ارمغان آورده است.

## زیبایی

چیزی که اجزای آن از هر جهت با هم هماهنگی داشته باشد، زیبا است.

زن زیبا کیست؟زن با وقار.

مرد زیبا کیست؟ مرد با شکوه.
امام صادق‌علیه السلام می‌فرمایند:
«هرگاه خداوند به بنده‌ای نعمت بدهد، دوست دارد که آن را بر او ببیند؛ چرا که خدا زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد.»
زیبا بپوش؛ چرا که خداوند دوست دارد؛ امّا از حلال بپوش و در مسیر حلال به کار بگیر.
در حدیث دیگری امام صادق‌علیه السلام می‌فرمایند:
«خداونـد، جمال و زیبایی را دوست دارد و با کسانی که خود را به بـدبختی و زشتی و بیچارگی می‌زنند، دشـمن است؛ با خدا دشمنی نکنید.»
دیـده شـدن آثار نعمت خدا در بنده‌اش، به این است که لباس پاکیزه بپوشد، بوی خوش اسـتعمال کند وخانه‌اش را تمیز و زیبا نگه دارد.
پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله به حضرت امیرعلیه السلام سفارش کردند که:
«یا علی! حقوق فرزند بر پدر این است که نام زیبایی بر او بگذاری که معنای زیبا داشته باشد.»
امام باقرعلیه السلام می‌فرمایند:
«فرزندت را به دایه زیبا بسپار، نه دایه زشت؛ چرا که شیر دایه زیبا مؤثر است.»
حضرت علی‌علیه السلام فرمودند:
«خوش سیمایی، از جمله عنایات خداوند است.»
امّا:
«افَتُ الجَمال الْخُیُلاءِ»
آفت زیبایی، خودپسندی و غرور است.
حضـرت زهراعلیها السـلام عطری مخصوص حضـرت علی‌علیه السـلام داشتند و لذا هر وقت می‌خواستند از منزل خارج شوند، اوّل استحمام می‌کردند، تا بوی آن از بین رود.

## جمال زن

هر چند زیبایی زن، سبب جذب می‌شود، اما جذب در زندگی دو گونه است:
الف. مُحدِثه: به هنگام خواستگاری؛
ب. مُبقیهٔ: همسرداری خوب در طول زندگی.
اما زیبایی و جمال زن به چیست؟
۱. آیا به صورت و چشم و ابرو و خال اوست؟
اگر چنین باشد، مسلّماً بعضی از عکس‌ها و تابلوها بسیار جذّاب‌تر و زیباتر است و این کار را می‌تواند انجام دهد.
۲. آیا آرامش در کنار زن، به لباس شیک و زیبای اوست؟
اگر چنین باشد، بسیاری از ویترین‌های مغازه‌ها و پارچه فروشی‌ها این کار را می‌کنند.
۳. آیا به آشپزی و خانه‌داری زن است؟
اگر چنین باشد، یک آشپز و خادم هم می‌تواند این کار را انجام دهد.

پس جمال زن به چیست؟

تردیدی نیست که آرایش زن، خوش کلامی، خوش پوششی، و ناز و عشوه او در مقابل شوهرش، باعث آرامش خاطر مرد است که قرآن نام آن را «مودّت» نهاده است؛ اما این همه، جمال ظاهری اوست و زودگذر.

مسلّماً زیبایی درونی زن، جمال حقیقی و واقعی اوست. این جمال، کشف کردنی است. ویژگی این نوع زیبایی این است که زیبایی‌ها و زشتی‌های ظاهری را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نقل است که لیلی آن قدر زشت بود که مردم زشتی او را مَثَل می‌زدند، ولی مجنون می‌گفت:

اگر بر دیده مجنون نشینی

به جز خوبی او چیزی نبینی

نقل است که:

ابوجهل در مسجد به پیامبرصلی الله علیه وآله گفت: چرا این قدر زشتی؟! تو آبروی بنی هاشم را برده‌ای!

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: هر چه هست، نقّاشی خداست.

ابوجهل رفت؛ سلمان آمد و مقابل پیامبرصلی الله علیه وآله نشست و به پیامبرصلی الله علیه وآله عرض کرد: یا رسول اللّه‌صلی الله علیه وآله شما چقدر زیبایید!

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: هر چه هست نقّاشی خداست.

سؤال شد: یا رسول اللّه‌صلی الله علیه وآله به هر دو نفر یک جواب دادید!

آن حضرت فرمودند:

سلمان، خود را در آینه تمام نمای حق می‌بیند و لذا چون خودش زیباست، مرا نیز زیبا می‌بیند. اما ابوجهل چون خود زشت است، مرا نیز زشت می‌پندارد!

ابوعلی سینا می‌گوید:

«نظر به دنیا و آینه جمال حق افکندن، بینش سینَوی می‌خواهد تا دیدگاه صَنَمی به وجود نیاید.»

اگر بینش انسان، سینایی شد، هر چه می‌بیند خیر است؛ ولی اگر بینش صَنَوی شد، خیر و شرّ را با هم می‌بیند.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

زن باید در رفتار، گفتار، زیبایی و حُسنی نهفته باشد که سبب آرامش شود، وگرنه در صورتِ نبودن چنین قابلیتی، سخن از آرام گرفتن در کنار زن، مفهومی ندارد.

این که خداوند متعال، همسر بودن زن را (نه زن بودن زن را) آیه خویش و اثر وجودی او را آرام گرفتن در کنار او دانسته، دلالت بر نوع جمال و زیبایی خاصی دارد که نه تنها محور آرامش‌ها در اجتماع کوچک خانواده است، بلکه در ابعاد وسیع‌تر در اجتماع هم هست و آن اصلِ جوهره آیه: «اِنَّ فی ذلِکَ لایاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ»(۲۸) است.

دخترم! پسرم! به مهمانی خیال نرو؛ به مهمانی فکر بنشین تا کنجکاو شوی و مشکلات را حل کنی.

## زیبایی معنوی زنان مؤمن

قرآن کریم، در این باره مطالبی را در سوره احزاب بیان کرده است:

«یا نِساءَ النَّبی لَسْتُنَّ کَاَحَدٍ مِنَ النّساءِ اِنِ اتَقَیْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِه مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً»(۲۹)

همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید؛ بنابر این به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید.

«وَ قَرْنَ فی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّةِ الاوُلی وَ اَقِمْنَ الصَّلوةَ وَ اتینَ الزَّکوةَ وَ اَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ اِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً»(۳۰)

و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین، در میان مردم ظاهر نشوید و نماز را به پا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

«وَ اذْکُرْنَ ما یُتْلی فی بُیُوتِکُنَّ مِنْ ایاتِ‌اللَّهِ وَ الْحِکْمَةِ اِنَّ اللَّهَ کانَ لَطیفاً خَبیراً»(۳۱)

و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند، حکمت و دانش خوانده می‌شود، یاد کنید، که خداوند لطیف و خبیر است.

«اِنَّ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنینَ وِ الْمُؤْمِناتِ وَ القانِتینَ وَ القانِتاتِ وَ الصّادِقینَ وَ الصّادِقاتِ وَ الصّابِرینَ وَ الصّابِراتِ وَ الخاشِعینَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقینَ وَ الْمُتَصَدّقاتِ و الصّائمینَ و الصّائماتِ وِ الحافِظینَ فُرُوجَهُمْ وَ الحافِظاتِ وِ الذّاکِرینَ اللَّهَ کَثیراً وَ الذّاکِراتِ اَعَدَّاللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ اَجْراً عَظیماً»(۳۲)

به یقین، مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان با ایمان، مردان و زنان مطیع فرمان خدا، مردان و زنان راستگو، مردان و زنان صابر و شکیبا، مردان و زنان با خشوع، مردان و زنان انفاق کننده، مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

## ده دستور قرآن برای زنان مؤمن

۱. بدانید شما زنان معمولی نیستید (عزّت نفس)؛

۲. تقوا پیشه کنید (مهار نفس)؛

۳. به گونه‌ای سخن نگویید که بیماردلان به شما طمع کنند (کرامت نفس)؛

۴. سخن شایسته بگویید (کمال در گفتار)؛

۵. زیاد در بین مردم ظاهر نشوید (جلال اجتماعی)؛

۶. نماز را به پا دارید (جمال الهی)؛

۷. زکات را ادا کنید (انقطاع دل از مال دنیا)؛

۸. خدا و رسولش را اطاعت کنید؛

۹. به آیات الهی برای عمل کردن گوش فرا دهید؛

۱۰. دانش و حکمت فرا گیرید.

## صفات زنان نادان در عصر پیامبرصلی الله علیه وآله

۱. حجاب درستی نداشتند؛

۲. دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند؛ به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردنبند و گوشواره‌های آن‌ها

نمایان بود؛

۳. کفش‌های پاشنه بلند صدادار به پا می‌نمودند؛

۴. خلخال‌های پاهایشان را ظاهر می‌کردند؛

۵. خنده‌های بسیار بلند شهوت‌انگیز از خانه‌هایشان به گوش می‌رسید؛

۶. بر سر معابر با بدترین وضع گرد هم می‌نشستند؛

۷. با شکستن تخمه، اوقات خود را به بطالت می‌گذراندند.

### مقایسه زنان عصر جاهلیت با جاهلیت معاصر

اگر در زمان جاهلیت، زنان عرب، تبرج(۳۳) به زینت می‌کردند و روسری‌های خود را کنار می‌زدند؛ به گونه‌ای که مقداری از سینه و گلو و گردنبند و گوشواره آن‌ها نمایان می‌شد؛ در عصر ما اجتماعاتی به نام «کلوپ برهنگان» تشکیل می‌شود، که افراد در آن برهنه مادرزاد می‌شوند. رسوایی‌های پلاژهای کنار دریا و استخرها و حتی معابر عمومی ناگفتنی است.

اگر در زمان جاهلیت، زنان عرب آلوده، ذوات الاعلام بودند، که پرچم بر در خانه خود می‌زدند تا افراد را به سوی خود دعوت کنند؛ در جاهلیت معاصر، افرادی هستند که در روزنامه‌های مخصوص، مطالبی را در این زمینه مطرح می‌کنند که قلم از ذکر آن شرم دارد و حقاً که جاهلیت عرب بر آن شرف خواهشت داشت.

اگر در جاهلیت بدوی، علم و آموزش معنایی نداشت؛ در جاهلیت قرن بیستم، مراکز آموزش به مهد آمیزش مبدّل شده است!

اگر در جاهلیت بدوی، چند زن به دلیل فقر، سقط جنین می‌کردند؛ در جاهلیت قرن ما، تعداد کورتاژها و سقط جنین‌ها قابل شمارش نیست!

دنیا دنیای امروز در تَب جاهلیت مُدرن می‌سوزد و هر روز، هزاران قربانی می‌دهد.

## فصل پانزدهم زندگی پویا و سرزنده

### ۱. غرق شدن در «خیال» را رها کنیم.

خیال مانند خال است، که اگر زیاد شود، سبب زشتی می‌گردد.

گل‌های زندگی زنده، مودّت و محبت است.

جوهر ازدواج، تفکّر است.

خیال‌پردازی، از شیطان است.

فکر، اگر مدار مثبت خود را طی کند، به تدبّر مبدّل می‌شود؛ ولی اگر از مسیر خود خارج شود، به خیال تبدیل می‌گردد.

### ۲. زندگی کردن درست را فرا بگیریم.

ساختن یک ساختمان، مهندس و عمله کار کرده نیاز دارد. برای هر دیواری که می‌سازند، هم مسایل مهندسی و هم مسایل تخصصی را رعایت می‌کنند.

آیا زندگی ما به نقشه و مصالح و تخصص و تجربه نیاز ندارد؟

علامه شهید مطهری(رحمةاللّه) می‌فرماید:
«آیا برای هفتاد سال زندگی، هفتاد ساعت آموزش زندگی لازم نیست؟»

## ۳. عشق به همسر را جاودانه کنیم.

وقتی به دختر جَحش گفتند که دایی تو (حمزه سیدالشهدا) را کشتند، گفت: «انا لِلّه و انا الیه راجعون». کسی آمد و به او گفت: «دختر جحش! برادرت را نیز شهید کردند». گفت: «انا لِلّه و انا الیه راجعون». دیگری آمد؛ ولی جرأت نکرد به دختر جحش بگوید، به پدر او گفت: «یا جحش! به دخترت بگو: شوهرت را شهید کردند.»
وقتی به دخترش خبر داد، صدای ضجّه و ناله او بلند شد. آن قدر گریه کرد تا این که صدای ناله و ضجّه او به رسول خداصلی الله علیه وآله رسید.
پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «دختر جَحش! چرا چنین ناله می کنی؟»
عرض کرد: «یا رسول اللّه! آیا می‌توانید خاطره خدیجه را فراموش کنید؟» آن قدر گریه کرد تا پیامبر نیز به گریه افتاد. سپس گفت: «داغ شوهر بدترین داغ‌هاست.»
غش کردن فاتح خیبر در شنیدن خبر شهادت حضرت زهراعلیها السلام و گریه‌های زیاد پیامبرصلی الله علیه وآله پس از مرگ خدیجه (در هر زمانی که آن حضرت نام خدیجه را می‌شنیدند)، شاهد این مدعاست.

## ۴. دوره عشق اولیه، هفت سال بیش‌تر نیست؛

پس برای تداوم عشق در زندگی هفتاد ساله خود، نیاز به اندیشه و تجربه داریم.
پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:
«حُبُّ الشَّیء یُعْمی وَ یُصّم»
عشق به چیزی (انسان را) کور و کَر می کند.
پیش از ازدواج، در دوران نامزدی و اوج عشق و عاشقی، وقتی لیوان می‌شکند، می گوید: اشکال ندارد، فدای سَرَت؛ ولی بعد از ازدواج، هنگامی که لیوان می‌شکند، فریاد می کشد: مگر کوری!
قبل از ازدواج اشکالات کوچک را نمی‌بیند؛ ولی بعد از ازدواج چشم‌هایش باز می‌شود و...
۵. در اولین فرصت، ناراحتی‌ها را از بین ببریم.
پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله می‌فرمایند:
«هر یک، قدم اول را برای آشتی کردن برداشتید، من قول می‌دهم - به جان دخترم فاطمه‌علیها السلام - که در قیامت اولین قدم را برای شفاعت از او بردارم.»
شهید دستغیب‌رحمهم الله می‌فرمود:
«هر وقت بین زن و شوهر شکرآب شد، نباید دستشان در سفره، تا (خم) شود؛ بلکه باید لقمه را بر دهان همسرت بگذاری تا اخم او از بین برود.»
بیش‌ترین قتل‌ها، خودکشی‌ها، افسردگی‌ها و کسالت در کار، به دلیل بی‌مهری‌هاست.

### قصه کارگری که کار مَنْجَنیق را می‌کرد

در روزهـایی که ساختمـان عالی‌قاپو در میـدان امام اصـفهان ساخته می‌شـد، کارگری بود کهماننـد مَنْجَنیق، خشت را به بالای ایوان عـالی‌قاپو پرتاپ می‌کرد. همه از قـدرت او متعجب بودنـد؛ تا این که پیرزنی که از آن جا می‌گـذشت، گفتگوی مردم را شنید. پیرزن ایستاد و گفت:

آقا!(کارگر) یک کاسه آش نذری دارم؛ نشانی منزلت را بده، ببرم.

کـارگر بیچـاره از همه جـا بی‌خبر، نشانی را داد و به کارش مشـغول شـد. پیرزن، به در خانه کارگر رفت و به همسـر او گفت: راستش را بخواهی، امروز شوهرت رفته یک زن دیگر گرفته است!

فردا مردم دیدند که کارگر دیرتر از همه سر کار آمد و اخم‌هایش در هم بود. اولین خشت را که پرتاپ کرد، چند متری بالاتر نرفت و بر سـرش خـورد. پیرزن که آمـده بـود عملی شـدن نقشه‌اش را نظـاره کنـد، خندیـد و گفت: «زن مهربـان، شوهرش را منجنیقی می‌کند.»

### ۶. قوای سه گانه را مهار کنیم.

۱. قوای شنیداری (گوش = تشخیص)

۲. قوای دیداری (چشم = تشخیص)

۳. قوای حسّی (لمس = تشخیص)

امام صادق‌علیه السلام فرمودند:

«اگر با چشمانت زنا کردی، هنگام مردنت تمام دنیا مثل سنگ آسیاب می‌شود و پایه‌های آن در چشمانت فرو می‌رود.»

پُل بین قوای شنیداری و تشخیص، قوای دیداری است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

## فصل شانزدهم

### لباس زندگی

بهترین هدیه پروردگار به خانواده‌ها، آیه ۱۸۷ سوره بقره است:

«هُنَّ لِباسٌ لَکُمْ وَ اَنْتُم لِباسٌ لَهُنَّ»

(زنان) لباس هستند برای شما (مردان)، و شما (مردان) لباس هستید برای آن‌ها (زنان).

معجزه قرآن این است که فقط یک کلمه را اصل و تمام شکل زندگی بیان فرموده و آن کلمه «لباس» است.

### بیست درس از واژه «لباس»

قرآن کریم می‌فرمایـد: زن و مرد بایـد برای همـدیگر لبـاس باشـند. اگر خـوب دقّت کنیم، خـواهیم فهمیـد که تمـام نکته‌هـا و

هشدارها در همین یک کلمه گنجانده شده است.
۱. گزینش لباس، اختیاری است.
شرط اذن ولّی برای ازدواج دختر باکره، دلیل بر نداشتن اختیار در انتخاب نیست.
۲. تناسب لباس باید در نظر گرفته شود.
۱. اندازه؛ ۲. الگو(مدل)؛ ۳. رنگ؛ ۴. نوع.
دوری از ازدوج‌های مبتنی بر عشق‌های مجازی یا مبادله‌ای.
اوّل باید همگِلی را در نظر گرفت، بعد همدلی را.
۳. انسان عاقل، به طور طبیعی نیاز به لباس دارد.
دختر و پسر عاقل نیاز به ازدواج دارند.
۴. لباس، عیب‌پوشی می کند.
لباس، زیبایی ظاهری را نشان می‌دهد؛ ولی عیب‌ها را مخفی می کند.
۵. لباس، آرامش خاطر می‌آورد.
زیاد بودن یاکم بودن لباس، آرامش خاطر را از بین می‌برد.
آرامش خاطر انسان در سه چیز است:
۱. منزل و خانه؛(۳۴)
۲. شب؛(۳۵)
۳. همسر.(۳۶)
پرسش: چرا جوانان در خانه نمی‌مانند و همیشه بیرون می‌روند؟ چون در خانه همسر ندارند؛ لذا اگر خواستید جوانان به خانه دلبستگی داشته باشند، باید ازدواج کنند تا به زندگی دلگرم شوند.
۶. لباس باید مفید باشد.(گرچه ارزان)
لباس ارزان بر قامت انسان عیب نیست؛ بلکه بی‌لباسی زننده است.
مهریه زن باید کم و در حدّ توان پرداخت داماد باشد.
۷. لباس کهنه و دست دوم عیب نیست.
زنانی که شوهرانشان فوت کرده‌اند یا مطلّقه هستند، چه عیبی دارد مجدداً شوهر کنند؟ مردانی که همسرانشان فوت کرده یا به هر دلیلی آنان را طلاق داده‌اند، از ازدواج دوباره با یک زن مطلقه یا بی‌شوهر خجالت نکشند.
۸. لباسِ آلوده، عیب است.
دختر و پسر آلوده به فحشا و اعتیاد، اول باید آگاه شوند، بعد ازدواج کنند. زندگی حَرَم است؛ انسان باید با اطلاعات کامل و با «احرام» عفاف و «غسل» از گناهان، با «تلبیه» اخلاق از «میقات» نامزدی به طرف «حَرَم» عقد حرکت کند و با توجّه، به «دور کعبه» زندگی «طواف» کند.
۹. لباس، تغییرپذیر است.
زن و مردی که اخلاقشان با هم تفاهم ندارد، نا امید نباشند؛ زن و مرد هم می‌توانند همدیگر را تغییر دهند، ولی تاوان آن را نیز باید بپردازند.

۱۰. محرم‌ترین چیز برای انسان، لباس اوست.

زن و مرد نباید از همدیگر چیزی را پنهان کنند، بلکه باید همراز و محرم یکدیگر باشند.

۱۱. نگهداری لباس از پلیدی‌ها(نجاست و خباثت).

همسر خود را در مجلسی ببر که دچار مشکلات اخلاقی (خبث) نگردد. مبادا زن و مرد در زندگی به پاکی و نجاست اهمیت ندهند.

۱۲. لباس آلوده، بدن را؛ و بدن آلوده، لباس را نیز آلوده می‌کند.

زن بی‌ایمان، مرد خود را نیز بی‌ایمان می‌کند. (اگر مرد، به ضعف ایمان همسرش بی‌توجه باشد).

مرد بی‌تقوا، همسرش را نیز به گناه می‌کشاند. (اگر زن نسبت به بی‌تقوایی شوهر خود بی‌اعتنا باشد).

۱۳. لباس، ملازم و همراه انسان است.

از تولّد تا مرگ و از مرگ تا محشر، انسان با لباس سر و کار دارد. (از قنداقه تا کفن) و لذا انسان نمی‌تواند بگوید من کاری با همسرم ندارم؛ زن و مرد همیشه به همدیگر نیاز دارند.

۱۴. ابتدایی‌ترین زینت انسان، لباس اوست.

ازدواج برای همه دختران و پسران لازم است.

۱۵. لباس شُهرت نپوشید.

مبادا برای این که مشهور شویم، با فلان دختری که پدرش معروف است، ازدواج کنیم، یا به فلان جوانی که خودش یا پدرش معروفند، دختر بدهیم. نیّت ازدواج باید پاک باشد؛ برای خودنمایی ازدواج نکنیم.

۱۶. لباس زن و مرد جداست.

کار مرد، تلاش در بیرون از منزل است.

کار زن، کدبانویی و تربیت فرزند در داخل منزل است.

ناز و عشوه، در شأن زن، و غیرت در شأن مرد است.

۱۷. لباس دست و پاگیر، ایجاد مزاحمت می‌کند.

توقعات بی‌جا، چشم و هم چشمی، و نِق زدن زن؛ مرد را بدبین، بخیل، شکّاک و بداخلاق می‌کند.

خشونت، کتک کاری، بی‌توجهی و کم مهری مرد؛ زن را کینه‌ای، کم‌روحیه، دچار آشفتگی و تندی در گفتار و رفتار می‌کند.

۱۸. لباس باید با کار و زمان تناسب داشته باشد.

هر کاری و شغلی و همچنین هر یک از انواع رشته‌های ورزشی، لباس مخصوص دارد. دیگر این که در بهار باید لباس بهاری؛ در تابستان لباس خنک، رنگ روشن، نازک و لطیف؛ در پاییز لباس متوسط؛ و در زمستان، لباس ضخیم و گرم پوشید.

در زندگی،اگر گرمای مادّیات و غرور، مردی را گرمازده کرد، همسر او باید این گرمای کبر و منیّت را از او جدا کند.

اگر سرمای بیکاری، ورشکستگی، مریضی، قرض، اجاره خانه و گرانی، مردی را سرمازده نمود، همسر او باید سرمای یأس و ناامیدی را از او جدا سازد.

۱۹. در منزل، برای روح لطیف خود و همسرتان، لباس‌هایی خوش‌رنگ و جذّاب استفاده کنید.

در روایت آمده است: در مصائب که باید رنگ مشکی بپوشید، وقتی وارد منزل می‌شوید، لباس‌هایتان را عوض کنید و با

پوشیدن لباس شاد، روح لطیف خانواده را با طراوت نمایید.
خانم! در خانه مهمان عزیزی داری به نام شوهر.
آقا! در خانه موهبتی الهی داری به نام همسر.
خانم! اگر شوهرت را تأمین نکنی، در آینده، امنیت روانی نخواهی داشت.
آقا! اگر نیازهای عاطفی همسرت را تأمین نکنی، دچار مشکل خواهی شد.
۲۰. هر کس با لباس خود معرفی می‌شود.
اگر لباس مرد کثیف باشد، آبروی زن از بین می‌رود، چون نمود کار زن، پاکیزگی لباس مرد است؛ و اگر لباس زن، زننده باشد، غیرت و عزت مرد سؤال برانگیز می‌شود، چون نمود غیرت مرد به نجابت و حجاب زن اوست.
قرآن کریم می‌فرماید:
«یا اَیُّهاَ النَّبیُّ قُلْ لِاَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤمِنینَ یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلابیبِهِنَّ ذلِکَ اَدْنی اَنْ یُعْرَضْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ وَ کانَ اللَّهُ غَفوُراً رَحیماً»
ای پیامبر! به زنانت، دخترانت و زنان مؤمن بگو: فرو بپوشند بر خود چادرهایشان را؛ این نزدیک‌تر است به آن که شناخته و رنجانیده شوند؛ و همواره خدا غفور و رحیم است.

## فصل هفدهم آفات زندگی

### آفت‌شناسی و آفت‌زدایی

آفت‌شناسی و آفت زُدایی، هنری است که به آموزش نیاز دارد.
برای مثال:
کشاورز اگر آفت را شناسایی نکند، چه بسا هستی خود را از بین ببرد. طبیب اگر نتواند مریضی بیمارش را تشخیص دهد و بدون حساب دارو تجویز کند، با جان مریض بازی کرده است.
خشت‌های زندگی، عاقلانه و بر مبنای تفکر و اندیشه کار گذاشته می‌شود؛ نه بر مبنای خیال.
اکنون برای شناخت آفات زندگی، با ما همراه شوید.

### ۱. منافسه (چشم و هم چشمی)

نگاه کن به دخلش، نگاه نکن به خرجش.
هر کسی طبق درآمدش، شأن زندگی‌اش نیز مشخص می‌شود؛
پس بیاییم مثل خودمان زندگی کنیم، نه مانند دیگران.

### ۲. توقّعات بی‌جا

برادر گرامی! در هر ماه، خانم شما چند روز دچار وضعیتی خاص می‌شود، و لذا خُلق او تنگ و طبع او سرد است، پس انتظار کار زیاد در منزل از او نداشته باش!

هر ماه بیست و سه روز در زندگی تو زحمت می‌کشد، پس هفت روز به کمک او بشتاب!
خواهر محترم!
تورّم را در نظر بگیر و گرانی را به خاطر داشته باش! اقساط وام‌ها، کرایه منزل، مریضی‌ها و دکتر و دارو، خرج مدرسه بچه‌ها، پوشاک و خوراک و وسایل زندگی و هزاران مشکلات دیگر را ببین! از طرف دیگر، کمی حقوق، چند نوبت کار کردن همسرت و درآمد او را هم در نظر داشته باش!

## ۳. بد خلقی

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:
«هر کس با بدخلقی زنش بسازد، خداوند به اندازه اجر و ثواب حضرت ایّوب که در گرفتاری‌ها صبر کرد، به او مرحمت کند و هر زنی که بداخلاقی شوهرش را تحمّل نماید، خداوند به او مانند ثواب آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) بدهد.»
یک شوخی با شما آقای محترم!
وقتی در دنیا حریف یک حوری دنیایی در منزل دویست متری نمی‌شوی، چگونه در آخرت می‌خواهی حریف هزاران حوری بهشتی در باغ‌ها و کاخ‌های بهشت بشوی؟!!
پس:
کتک کاری نکن؛ عصبانی نشو؛ با بچه‌هایت درست صحبت نما؛ و همسرت را سبک نکن!

## ۴. دوری زن و مرد از یکدیگر

برادر عزیز! خانمت نباید بفهمد که بدون او می‌توانی راحت بخوابی.
خواهر گرامی! شوهرت نباید بفهمد که بدون او می‌توانی استراحت کنی.
رفتن به کشورهای خارجی برای کسب و کار و چند ماه دوری از خانواده، به صلاح زندگی شما نیست.
حضرت امیرعلیه السلام فرمودند:
«دوست ندارم که دنیا و آنچه را در آن هست داشته باشم، ولی شبی را در کنار خانواده‌ام نباشم!»

## ۵. زیبایی و دارایی را در مسیر شهوت و گناه به کار بستن

خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم
دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم

## ۶. میزبانی و مهمانی‌های غیر شرعی

حضرت علی‌علیه السلام می‌فرمایند:
«کونُوا کَالنَّحْل»
همانند زنبور باشید.

چرا به دنبال گَل نیستیم، تا از شیره ایمان و کمال و علم او، عسل مصفای اخلاق را در کندوی زندگیمان بریزیم.
چرا لقمه حلال در می‌آوری و به حرام خور می‌دهی؟
مواظب باشیم که مهمانی و میزبانی ما در شأن دین اسلام باشد و از اختلاط محرم و نامحرم به شدّت پرهیز کنیم.

## ۷. آزادی حیوانی

خانم! اگر شوهرت به کارهای خلاف شرع تو (مثل با آرایش در اجتماع وارد شدن) حساس نبود، یقین داشته باش در کُنج دلش جا نداری و دل او در بند دیگری است.

## ۸. شاغل بودن زن

زن اگر اداری شد، زندگی او نیز اداری می‌شود.
احتمالاً ـ اخلاق خوش خود را در اداره و محیط کار صرف می‌کند و خستگی و ناراحتی خود را همراه با گرفتگی چهره به منزل می‌آورد.
محیط اداره، برای زن، پیری زودرس می‌آورد.
بزرگ‌ترین ضربه‌ای که فرهنگ استعماری بر پیکره اجتماع زن وارد کرد، خروج او از منزل به بهانه کار بود.
آیا خانه‌داری، شوهرداری، کودک‌داری، مهمان‌داری، تعدیل در هزینه اقتصاد خانه، برای زن کار نبود؟!

## ۹. بی بندوباری در خانه و محلّه

برادر گرامی! در گردش‌ها و مکان‌های عمومی، اجازه نده خانمت نیمه حجاب گردد؛ نگذار چادر مجلسی و نازک که بدن را کامل نمی‌پوشاند، به سر کند.
شناسنامه غیرت مرد، حجاب همسر اوست.

## ۱۰. دخالت‌های والدین و دیگران در زندگی

والدین محترم!
بگذارید عروس و داماد، مسایل خود را خودشان حل کنند.
برادر گرامی!
اگر مادرت گفت: چرا مرا مثل همسرت دوست نمی‌داری؟
به ایشان بگو: مادر گرامی! خدا نکند من شما را مثل همسرم دوست بدارم!
اگر همسرت گفت: چرا مرا مثل مادرت دوست نمی‌داری؟
به او بگو: خانم گرامی! خدا نکند من شما را مثل مادرم دوست بدارم!
مادری که پسرش پزشک بود، ناراحت می‌شد از این که چرا به او کم‌تر توجه دارد.
به او گفته شد:

مادر! تا حالا شده کسی به پزشکی بگوید: خدا به زنت خیر بدهد؟
گفت: نه؛ می‌گویند که خدا پدر و مادرت را بیامرزد.
گفته شد: پس دعای مردم از تو باشد؛ عشقِ جوانی او برای عروست!

## ۱۱. سوء ظن به یکدیگر

اگر واقعاً زن و مرد نسبت به یکدیگر شناخت کافی داشته باشند، هرگز سوءظن به وجود نمی‌آید.
عوامل سوءظن دو چیز است:
۱. عدم شناخت یکدیگر؛ ۲. عدم هماهنگی با یکدیگر.

## ۱۲. خسیس بودن مرد

دکتر اِلِنْتْ می‌گوید:
«اگر می‌خواهی در زندگی خوشبخت باشی، سالی یک بار طلاهای خانمت را عوض کن.»
برادر عزیز!
سرکیسه را چنان شُل مکن که خانم به اسراف بیفتد و چنان محکم مگیر که سر جیبت برود!

## ۱۳. آوردن دوستان ناشایست به منزل

رفیق تو از تو به باید
تا تو را عقل و دین بیفزاید
امام صادق‌علیه السلام فرمودند:
«در مورد دیگران قضاوت نکنید، تا این که دوستانشان را ببینید.»
آدمی با دوستانش معرّفی می‌گردد.

## ۱۴. اعتیاد

حُقّه بافور، کلاهی است بر سر معتاد.
معتاد با «انبر» رفیق فاسد، «زغال آتشین» بی غیرتی را بر «تریاک» مال و ناموس و آینده و آبرو و دین خود می‌گذارد و با «دَم» بی‌تفاوتی و «سستی»، همه چیز را «دود» کرده، به اطراف خودش می‌فرستد. «اعتیاد»، دریچه‌ای است برای دفن کردن خود و همه چیز.
«سیگار»، مرکب تک سواری است که انسان را به «گورستان اعتیاد» می‌برد.
«سیگار» تپانچه‌ای است که زمانه، ماشه آن را می‌چکاند.

## ۱۵. دروغ گفتن

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:
«اَلْکِذْبُ مِفْتاحُ الذُّنوب»
کلید تمام گناهان، دروغ است.
دروغگو، ترسویی رسوا شونده است.
دروغگو، به آدم برفی می‌ماند که زمانه، شخصیتش را آب می‌کند.
دروغگو، درخت تنومند موریانه خورده‌ای است که طوفان حوادث، او را سرنگون خواهد کرد.

## ۱۶. عقیم بودن زن و مرد

فرزندان، گل‌های باغ زندگی هستند؛ ولی گل پژمرده‌ای که روح باغبان را آزرده خاطر می‌کند، سوهانی است بر روان او. کسانی که فرزند می‌خواهند و خداوند به آنان عطا نکرده، نباید خداوند را محکوم کنند؛ بلکه اگر کمی در اجتماع بگردند و نظاره‌گر فرزندانی فلج، عقب افتاده و مریض باشند، خداوند را همیشه برای آن لطف عظمایش شاکر خواهند بود.

## ۱۷. ناتوانی جنسی زن و مرد

ادفاع شهوت در اسلام تأکید شده و یکی از فلسفه‌های ازدواج نیز همین است.
اگر در این مورد، افراط یا تفریط گردد، خود، عامل بزرگی برای ایجاد اختلاف بین زن و مرد می‌شود.

## ۱۸. زیاد ماندن مرد در خانه

حضرت پروردگار، زن را برای اداره منزل خلق نموده و همه لوازم آن را نیز در وجود زن قرار داده است؛ مرد را نیز برای کار و تلاش قرار داده تا صبح با نشاطی وصف‌ناپذیر با بسم اللّٰه و هزار امید و عشق به زندگی، بیرون برود و بعدازظهر یا شب با روحیه‌ای کاملاً رضایت بخش از این که توانسته خادم زندگی و خانواده‌اش باشد، به منزل بازگردد.
اکنون اگر این توازن به هم بخورد، یعنی مرد به هر دلیلی خانه‌نشین شود، هم روحیه خودش خرد شده، هم باعث ناراحتی خانواده خواهد شد. بنابراین، در جایگاه زن واقع شدن، عاملی برای اختلاف در زندگی است.

## ۱۹. ارتباطهای نامشروع قبل از ازدواج

گناه و آلودگی‌های اخلاقی، اگر از پیکره‌جان پاک نشود، همه جا و همه کس را به خباثت می‌کشاند.
جوانی که قبل از ازدواج، ارتباطات نامشروع داشته، مسلماً در قلب و ذهن او، کسانی دیگر نیز در کنار همسر او خواهند بود.
بنابر این، اول باید قلب و ذهن و روح را از محبت و تصاویر آنان پاک کرد، سپس مهیای ازدواج شد.

## ۲۰. استبداد در زندگی

درست است که: «اَلرِّجالُ قَوّامونَ عَلَی النِّساء»؛(۳۷) ولی گروهی از این آیه، چیز دیگری فهمیده‌اند؛ آن‌ها معتقدند: «اَلرِّجالُ جَبّارُونَ عَلَی النِّساء؛ مردان ظلم کننده به زنان هستند»!!

ظلم و استبداد و تحکّم غیر منطقی، تیشه به ریشه زندگی می‌زند. مرد می‌تواند به جای «حکومت زور» در منزل، «حکومت بر دل» را پایه‌ریزی نماید.

مرد باید به دیدگاه‌های خانواده اهمیت بدهد، با آنان مشورت کند، هدایتگر آنان باشد و خلاصه، اقتدار مرد با اخلاق خوش او دلنشین است.

## ۲۱. سرد مزاجی (مزاجی سوداوی)

دو نظریه در موارد روان‌شناسی انسان وجود دارد.

نظریه سرشت

طبق نظریه اول - که تاریخچه ۲۰۰۰ ساله دارد - یونانیان قدیم و حکمای قدیم ایرانی، طبع و مزاج افراد را به چهار نوع تقسیم می‌کردند، که به همراه خصوصیات رفتاری هر نوع، در ذیل می‌آید:

الف. مزاج خونی (گرم و مرطوب)

۱. خوش مشرب؛ ۲. پیشرو؛ ۳. پر حرف؛ ۴. حساس؛ ۵. بی قید؛ ۶. سرزنده؛ ۷. بی مبالات؛ ۸. پیشوا.

ب. مزاج بلغمی (سرد و مرطوب)

۱. بردبار؛ ۲. دقیق؛ ۳. فکور؛ ۴. آرام؛ ۵. خوددار؛ ۶. معتمد؛ ۷. معتدل؛ ۸. ساکت.

ج. مزاج صفراوی (گرم و خشک)

۱. زود رنج؛ ۲. ناآرام؛ ۳. مهاجم (اهل دعوا و نزاع)؛ ۴. تند مزاج؛ ۵. ناپایدار؛ ۶. دارای سرعت عمل؛ ۷. خوش بین؛ ۸. فعّال و پرجوش.

د. مزاج سوداوی (سرد و خشک)

۱. کج خلق؛ ۲. نگران؛ ۳. جدّی؛ ۴. موقّر؛ ۵. بدبین؛ ۶. محتاط؛ ۷. بدمشرب؛ ۸. خموش.

ناگفته نماند که هیچ یک از این ارتباطات مطلق نیست.

ایراد مهم نظریه سرشت این است که:

در قدیم فکر می‌کردند که انسان در یکی از این چهار طبع و مزاج قرار می‌گیرد؛ در حالی که دانش امروز بشری می‌گوید: انسان می‌تواند یک یا دو یاسه و حتی هر چهار نوع طبع یاد شده را داشته باشد.

نظریه نُمود

رفتارشناسی و رفتار خصلتی انسان را «نُمود» گویند.

پژوهشگران علوم رفتاری، نظریه نُمود را بر نظریه سرشت ترجیح می‌دهند. تاکنون حدود ۴۵۰۰ خصوصیت برای رفتار انسان شناسایی شده است؛ نظیر:

۱. اجتماعی بودن؛ ۲. سخت کوشی؛ ۳. سرعت عمل؛ ۴. خطرپذیری؛ ۵. فعالیت و جنبش؛ ۶. احساساتی بودن؛ ۷. اندیشه‌مندی؛ ۸. مسؤولیت‌پذیری.

در وجود انسان، دو دسته نیرو در مقابل هم قرار دارند:

مثبت:۱.اراده؛ ۲. شوق؛ ۳. ذوق.

منفی:۱. مسامحه؛ ۲. ضعف و کسالت روحی؛ ۳. بهانه تراشی و عذر.

اتفاق نیروهای درونی مثبت، انسان‌ها را خیّر، دانشـمند، پرشور و خادم تربیت می کنـد، اما اتفاق نیروهای درونی منفی، انسان‌ها را شرور، بدبین، مخرّب و جنایتکار تربیت می‌نماید.

## ۲۲. وسواس

وسواس، ضررهای فراوانی دارد، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
۱. مورد تمسخر قرار گرفتن؛
۲. ناآرامی در زندگی؛
۳. مقدمه دعواها و جدال‌ها؛
۴. ایجاد بدبینی؛
۵. ناامنی در زندگی؛
۶. ایجاد شک و تردید؛
۷. پیری زودرس؛
۸. جدایی و طلاق؛
۹. از بین رفتن محبت‌ها و صفای زندگی؛
۱۰. ایجاد کسلی و خستگی برای ادامه زندگی.
راه درمان وسواس، که یکی از بدترین بیماری‌های روحی است، این است که:
«انسان وسواسی، هر وقت شک کرد، خلاف میلش عمل کند.»

## ۲۳. مراء و جدال

امام علی‌علیه السلام فرمودند:
«سِتَّةٌ لایُمارُوُنَ: اَلْفَقیهُ وَ الرَّئیسُ وَ الدَّنیّ وَ البَذیُّ و الْمَرأةُ وَ الصَّبِیُّ.»(۳۸)
با شش کس مجادله و پرخاش نکن:
۱. فقیه و عالم دینی؛ ۲. رییس؛ ۳. فرومایه (بی‌شخصیت و بی‌ادب)؛ ۴. بی شرم؛ ۵. زن؛ ۶. کودک.

## ۲۴. مقاومت نکردن در زندگی

پختگی انسان در غلیان و جوشش روزگار به وجود می‌آید.
زندگی؛ تلخی و شیرینی، و نیز فراز و نشیب دارد، پس آدمی باید در برابر حوادث و مشکلات، مثل شمع بسوزد و بسازد.

## ۲۵. اشتغال بیش از حد (شوهر یا همسر)

درست است تورّم و گرانی بیداد می‌کند و نمی‌توان به درستی با غول تورّم مبارزه کرد، ولی حقّ خانواده نیز باید رعایت شود. مرحوم حضرت امام(رحمهٔ‌اللّه) با آن همه مشغله‌های سیاسی، علمی، اجتماعی و کشوری، هر روز ساعتی را به طور خصوصی

در کنار خانواده خویش بودند.

شهید دستغیب(رحمهُاللّه) به دختر خود فرموده بود:

«دخترم! تو با انتظار کشیدن برای آمدن شوهرت - که استاد قرآن است - بهشت می‌روی؛ ولی ما که استاد قرآنیم، معلوم نیست بهشت برویم.»

## ۲۶. بی‌حیایی و بی‌وقاری

پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله فرمودند:

«اِنَّ لِکُلِّ دینٍ خُلْقٌ وَ اِنَّ خُلْقَ الْاِسْلامِ اَلْحَیاء»

برای هر دینی برنامه‌ای است و به درستی که اخلاق اسلام، حیا است.

امام صادق‌علیه السلام فرمودند:

«مَنْ لا حَیاءَ لَهُ لا دینَ لَهْ»

کسی که حیا ندارد، دین ندارد.

امام باقرعلیه السلام می‌فرمایند:

«حیا و ایمان، ملازم همدیگرند؛ چون یکی از آن دو برود، دیگری نیز می‌رود.»

امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمودند:

«آن که از مردم حیا نمی‌کند، از خدا نیز شرم ندارد.»

امام علی‌علیه السلام می‌فرمایند:

«حیا، کلید همه نیکی‌هاست.»

حضرت محمّدصلی الله علیه وآله فرمودند:

«حیا ده جزء دارد؛ نُه جزء آن برای زنان و یک جزء آن برای مردان است.»

وقار، یعنی: شکوه زنانه و جلال مردانه.

حضرت علی‌علیه السلام می‌فرمایند:

«وقار، زیبایی انسان است.»

«وقار، نتیجه حلم و برباری است.»

«وقار، هیبت را زیاد می‌کند.»

«مؤمن، البته مُتّصف به وقار است.»

حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام کلیدهای زندگی را چنین ترسیم فرموده‌اند:

مؤمن، در حوادث تکان دهنده "وقور" است؛

در ناگواری‌ها، "صبور" است؛

و در هنگام آسایش، "شکور" است.»

## یادی از قدیم(با لهجه لُری)

بیا بشنو اَقدیما کُ‌دِلا خوشتر بید
همه با میر و محبت بیدنُ بیتَر بید
هر که با تخ کِشی و نمد مالی کار می‌کِرد
هر که داش پینه دوزی انگاری کُ زرگر بید
خونا از خشت و گِل و سنگ و همه کاگِلی بید
کی خونش عیانی و ساختمونش مرمر بید
تو خونا چایی بیدُ دول و طناب و چخ‌هایی
اُیِ سرد و تگریش انگاری از کوثر بید
پیر مردا همه جا عزیز و ارزنده بیدَن
هر کُدُم جای خُودش تاج سر و سرور بید
برا هر مشکلی راه حل بیدَن موسفیدا
برا قهر و جَرّ و دعوا هر کُدُم داور بید
ده تا زن چل تا بچه با هم تویه ایشا بیدن
بخالُد زمین نبید، تَوَقُّعا کمتر بید
با نداری همه شون می‌ساختن و شاد بیدن
آبرو دار بیدُس اونکُ بِچاش بیشتر بید
رختاشون شال و قبا و بید و دبیت و کرواسی
خارجی کو، همشون نخ ریسی مادر بید
راه و رسم خوبیاشون همیشه موندنیه
غیرت و حجب و حیاشون خط هر دفتر بید
چی چی دارُم موُ میگُم رودِه درازی می کنُم
قدیما صمیمیت بین همه بیشتر بید
کُلاشون از نمدی گِل پاشونُم یِه جفت گیوه
رختاشون وصله پینه اما تمیز یکسر بید
ننه می‌مَد پا تنیر، زانی می‌زد، نونشا می‌پُخت
نوناشون خوشمزه‌تر از صد تا نون بربر بید
کِی می‌دیدیم اون روزا فِرگاز و قابلمه نسوز
یِه کُماجْدون سیا لاخول و خاکستر بید
زنا و دخترا با حجاب خود زنده بیدن
بی حجابی امّلی بید و بد از بدتر بید
زنا زیر چرقتاشون موره و سینجاق می‌زدن
ای می‌شد چرقت رد از صد تا فش بدتر بید

اسمی خب کُ بموند همش می هشتن روبچا
اسماشون اسمی امام و اسم پیغمبر بید
کی دیدی پیش بزرگترا بچه کنه پاشا دراز
احتراما میون بزرگ و کوچکتر بید
حرفای قدیمیا حسابی و معنایی داشت
اعتقاداکُ چقد قرص و چقد محشر بید
هر که خوند دوتا کلاس انگاری کُ دیپلم داشت
درس قرآن و حسابش همه عمر از وربید(۳۹)

## منابع و مآخذ:


۱. قرآن کریم.

۲. تفسیر نمونه.

۳. نهج البلاغه.

۴. تاریخ اسلام.

۵. آثار الصادقین، آیت اللّه دشتی.

۶. از ولادت تا شهادت، علامه قزوینی.

۷. غرر الحکم، ج ۳.

۸. بحارالانوار، ج ۱۰۰.

۹. زندگی نامه شهید دستغیب.

۱۰. زندگی نامه حضرت امام(رحمه اللّه).

۱۱. کلیدهای طلایی موفقیت، دکتر حسین پور آقاسی.

۱۲. زن در اندیشه امام خمینی.

۱۳. آیا فهم قرآن آسان است، آیت اللّه حاج آقا حسن امام اصفهانی.

۱۴. نهایهٔ التقریر، آیت اللّه العظمی بروجردی.

۱۵. آیین بهزیستی در اسلام، دکتر احمد صبور اردبادی.

۱۶. ازدواج، شهید دکتر پاک نژاد.

۱۷. کتاب النکاح، وسائل الشیعه.

۱۸. میزان الحکمهٔ، محمدی ری شهری.

۱۹. راه روشن (۶ جلد)، ترجمه محجهٔ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، محمد صادق عارف.

۲۰. آداب معاشرت، آیت اللّه شیخ حرّ عاملی.

۲۱. اولین دانشگاه، آخرین پیامبرصلی الله علیه وآله (۴۰ جلد)، بهداشت لباس و بدن.

۲۲. حجاب، آیت اللّه شهید مطهری(رحمه اللّه).

۲۳. اخلاق، آیت اللّه شهید مطهری(رحمه اللّه).

۲۴. احکام روابط زن و مرد مطابق با فتوای علما، سید مسعود معصومی.

۲۵. فتنه باب.

۲۶. وهابیگری و بابیگری.

۲۷. آخرین سفر شاه، بخش ۱۳، نوشته سوگراس.

۲۸. محرم و نامحرم، شیخ احمد مجتهد طهرانی.

۲۹. شرح عشق، عباس خلیلیان.

۳۰. جمال و جلال زن در اسلام، آیت اللّه جوادی آملی.

## پی نوشت ها

۱) نمل، ۱۲۵.

۲) بقره، ۲۸۶.

۳) روم، ۲۱.

۴) قصار غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۰.

۵) بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۹.

۶) نبأ، ۱۱.

۷) نور، ۲۶.

۸) نور، ۳۳.

۹) نور، ۳۰.

۱۰) شمس، ۹ – ۱۰.

۱۱) نور، ۳۱.

۱۲) نور، ۳۲.

۱۳) آخرین سفر شاه، سوگراس، بخش ۱۳.

۱۴) اخلاص، ۱.

۱۵) در سوره قصص، از آیه ۲۷ به بعد، قضیه ازدواج حضرت موسی بیان شده است.

۱۶) برای درک بهتر مطالب خودیابی، ر.ک: کتاب «کلیدهای طلایی موفقیت»، نوشته حسین پور آقاسی.

۱۷) نهج البلاغه، کلمات قصار، ۲۲۶.

۱۸) بقره، ۲۲۳.

۱۹) ر.ک: دوست کیست؟ دوستی چیست؟ نوشته مؤلف.

۲۰) مسند احمد، ص ۱۹.

۲۱) از ولادت تا شهادت، علامه قزوینی؛ کنز العمال، متّقی هندی، ص ۹۹.

۲۲) طلاق، ۷.

۲۳) اسراء، ۱۶.

۲۴) زن و شوهر، حجت الاسلام محمد علی صفوی (زرافشان).

۲۵) اعراف، ۱۵۷.

۲۶) مؤمنون، ۵ – ۶؛ و همچنین: معارج، ۲۹ – ۳۰.

۲۷) هنر در قلمرو مکتب، جواد محدثی.

۲۸) یونس، ۲۴.

۲۹) احزاب، ۳۲.

۳۰) احزاب، ۳۳.

۳۱) احزاب، ۳۴.

۳۲) احزاب، ۳۵.

۳۳) آشکار شدن در برابر مردم.

۳۴) نحل، ۸۰.

۳۵) غافر، ۶۱.

۳۶) روم، ۲۱.

۳۷) نساء، ۳۴.

۳۸) غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۴۸.

۳۹) احمد میرزایان بروجنی، متخلص به «مُخلص».

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و

انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون مجتمع فرهنگی مذهبی هیئت قائمیه اصفهان ،دفاتر مراجع معظم تقلید، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، موسسه فرهنگی مرکز تحقیقات رایانه‌ای مهر حوزه علمیه اصفهان، سازمان کتابخانه ها،موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ، موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان ، سازمان حج و زیارت، انتشارات مسجد مقدس جمکران و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghaemiyeh.com

ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای




WWW